

مبارزات

بقیه از صفحه ۱

مزدوران ارتجاع گلهای سسرخ تازه رسته را با یورشهای مفرط وار خود با خیال میگذرانند اما سرخی خون شمشیر و آنچه های تازه تری راهی گلهای تشنه است.

دشمن خلق، امسال راهببین سالتیای پیشه و سال سرکوب جنبش انقلابی خلق کرد تا فیده است قویا که تجربه ۵ سال مبارزه دلاورانه زحمتکشانش تحت مستم کرد بسا مزدوران ارتجاع حاکم، درس آموزشان نمود است.

این یقینین بهار خونین زحمتکشانش کرد و بنجین سال مبارزه حماسه آفرین زحمتکشانش خلق در پلار از است که در زند اوم سرانها پیش سرکوبهای ضد خلق خود و مردم زحمتکش را کشتار میکند. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بمرغ ۵ سال سرکوب خونین و مداوم خود در زندستان و در شمال سرکوب سراسری کارگران و دبیر زحمتکشانش سراسر ایران و سازمانهای مزدور ایران اینک تیلجیم و سوزین و کسرتنه تری را در زندستان آغاز نموده است.

رژیم علاوه بر نیروهای مستقر در کردستان و زندستان

و کشته های راننده گمان داشته تا شایر بحال غله خورده این گانوی نینده و معال مبارزه مسلحانه توده ای و ولناتیبی را به منظور کشته و سرکوب کردن رژیم بر این تصورند که با افزایش نیروهای خود و کارگزین سلاصهای حدین توجیهیات بیشتر قادر رند خلق را که سلاها تحت مست ملی و طغیان قرار ننته و قحار بگرانهای ارسالها مبارزه انقلابی را چه با رژیم کز ننته و چه با رژیم کمون پرده و ش و کزنده از مبارزه انقلابی یا رتیبانی هر چه شد از جهان ایند ای قدرت رسیدن و در دست آورد های انقلابی دوره های کردستان را بر اماطل و عواملی صوبت بسج و سبج و کسرتنه، اخیر رژیم روزافزون این کل روند انقلابی

تاریکیهای این جنبش انگیزه های مبارزاتی آن و تاثیرات بلاواسطه مبارزات کردستان در جنبش سراسری مزدور ارزبانی قرار گیرد، جنبش استقلال خلق کرد، جزئی از جنبش ضد امپریالیسم و مرکزیت خلقهای ایران است خلق زحمتکش کرد همچون دیگر توده های ایران طی سالها، تحت مست و استعمار رژیمهای ارتجاعی و ضد خلقی حاکم در ایران چه در گذشته و چه در حال قرار داشته تروه های زحمتکش کردستان علاوه بر مستم طغیان و تحت مست ملی نیز قرار دارند، از

مردم و جنبش انقلابی خلق کرد، انعکاس مست دوگانه است که طی سالها از سوی رژیمهای ارتجاع حاکم اعمال شده است.

مردم کردستان علاوه بر فقر اقتصادی، از محرومیتها و شدید جزریمه امکانات رفاهی و عقب افتادگی تاریخی شیوه زندگی رشیع میبرند و این امر در روستاهای کردستان ابعادی فاجعه انگیز دارد، علاوه بر آن زحمتکشانشان کرد، تحت شدیدترین فشارهای فرهنگی قرار دارند. فرزندان آنان از آموزش بزمان محلی خود محرومند مردم کرد حتی حقند ارتسد مطابق مطن و فرهنگ ملی خود لباس بپوشند. از اینرو مسئله خود مختاری برای خلق کرد که تحت شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و نژادی قرار دارند بشتابه یک خواست عمومی و همگانی طرح گشته است. اما تجربه سالها مبارزه با رژیم گذشته و سنی ازج سال مقاومت و مبارزه حماسه آفرین در قبال تهاجمات رژیم کمونیستی و اعمال صترین شکل مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه توده ای بیان امر گشته است که تا زمانیکه حکمتهای بورژوازی ارتجاعی و دشمنان خلق پر مصره در زندستان تحقق هیچیک از خواستههای آنان محلی نیست. مردم کردستان دریافته اند که حتی اگر موقتاً تحت شرایطی بخواستههای خود دست یافته اند بسرعت و فشاردهای آنان ا دست رفته است، نمونه های تاریخی نظیر تشکیل جمهوری خود مختار در زندستان در سالهای ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۶ و تشکیل کمیته آزادیهای مردم مختار توده ای در شهرهای کردستان پس از تسلیم خونین ۲۲ میمن بودتن پس از آن، مورد این است که تا زمانیکه حکومت مرکزی بدهست کارگران و زحمتکشانشان نباشد، تحقق خود مختاری در عانتترین شکل خود یعنی تاجد حق تعیین سرنوشت برای خلق کرد و دیگر خلقهای ایران منظر نیست. این امر در حجب ننته است که اولاً مردم کردستان محقق خواستههایشان را محقق با سرکوبن رژیم خصم در زندستان میکنند و علاوه بطرف دیگری در اظه ای مبارزات خود و مبارزات کارگران و زحمتکشانش سراسر ایران احساس کنند. این احساس و هیمنه منبری در ابعاد ای مدد و در زندستان آشکار آگاه مردم سراسر ایران نیز مشهود است بعبارت دیگر جنبش انقلابی خلق کرد و مبارزه حماسه آفرین بینندگان قهرمان آن از حمایت معنوی و صورت سیاسی از مبارزات قهرمانان آنان از توده های انقلابی سراسر ایران برخوردار است. در چندین سال مبارزه در کردستان در ایام متعدد بسرعت با تشکیل قهرمانیز ارتقاء یافت و از نظر اشکال، مبارزات بسراقت بیشتر شده تراز مبارزات کارگزاران و زحمتکشانشان در دیگر زندستان ایران است. اما از آنجا که مصلحت مشترک بسیاری با جنبش سراسری را در بر دارد تاثیرات بر جنبش سراسری انگیزه نا پذیر است.

مردم کردستان در مقابل سوابق تاریخی

مبارزه جوی و زحمتی وهم بدلیل سرکوبهای سی خشن و وحشیانه رژیم که از سال ۱۹۵۰ تاکنون ادامه دارد، ارهسان ماههای اول به قدرت رسیدن رژیم، خیلی سر و دست از سایر نقاط ایران به مابیت ضد خلقی و آشوبن جمهوری اسلامی نگاه شدند.

لیدرهای دسته جبهی فرزند آن د لایم کرد بدست خلقهای جنایتکار در سال ۱۹۵۰ به مبارزات مسلحانه های وسیع در روستاهای قازنا، قالاتان، ایند رفاهی، صوطان و... و کشتار کودکان و زنان و دفاع غیر مسلح چهارم کرده رژیم را حبابی سرخ آشکار ساخته.

رژیم تاکنون بهریت از روشهای آلوده شده که دست یافته است روستائیان زحمتکش را بجم همکاری و شرکت در جنبش بچونه اقدام سپرده است، خانه ها پاشا ترا بر سرشان خراب کرده و حتی خانواده های پیشتریکار را از شهرهای کردستان تبعید نموده است. جنایات رژیم طی ۱ سال گذشته تنها میتواند قابل مقایسه با کشتار امریکای ویتنام و کشتار اسرائیل در اردوگاههای فلسطینیان باشد.

تاثیر جنایات رژیم در کردستان، بر رده بخشی از توده های سراسر ایران، تقیض پسزای در روند تکستن توهم ناشی از ناآگاهی آنان نسبت به رژیم داشت و این امر موهون تبلیغات وسیع سازمانهای امپریالیست و روستائیان اخبار کردستان بگوش توده های مردم در لیدر نقاط ایران بدهد. اما بدلیل سرکوب سازمانهای انقلابی سراسری که نقش بسیاری در ارتقای جنبشها از رژیم از کسو و ساندن اخبار مبارزات دلاورانه خلق کرد از سوی دیگر داشته، مردم سراسر ایران اکنون کمتر در جریان اخبار واقعی کردستان قرار میگیرد. و از جنایات رژیم در کردستان کمتر مطلع میشوند. بلندگوهای رژیم با حملاتهای تبلیغاتی و دروغپردازیهای خود تنها همین دارند از نیرویهای واهی خود سخن برایشان حتی بهلاکت رسیدن مزدوران خود را از توده های اینها میسازد تا جاییکه احساساد این سرسیردگان را که بدست پیشترنگان قهرمان کشته میشوند معلولان نینده ای چه قلمه اد میکنند.

هم اکنون کردستان هرچه بهک نرسد حماسی با رژیم جمهوری اسلامی است رژیم برخلاف دروغپردازیهای بسیاری که میکند تنها در تهاجمات اخیر موفق به دستیابی به چند روستای نزدیک جاده ها شده است که از انکشتان دست نجا و نمیکند و جاده سرد شتر مهاباد را نیز تصرف و آلوده اما این جاده نیز همچون سایر جاده ها تنها در چند ساعتی آلوده میگرد استفاده برای رژیم است. بعضی تاریخ شدن مواز مزدوران در سوارهایشان و خزند و نقاط استقرار بقیه از صفحه ۱۵

مبارزه خونین و مبارزات آزادیخواهان در کردستان و سایر نقاط ایران

خشی نمایند. اما باید توجه داشت که انتقال این افراد به قسمتهای دیگر به جاسوسی و فعالیت ضد کارگری آنان خاتمه نخواهد داد و آنان وظیفه تفکیکشان یعنی دفاع از رژیم سرمایه داری و استوار کردن در مقابل مبارزات کارگران را بر عهده میگیرند. کارگران این قسمت در یکساعت با یکدیگر از شرایط با سایر بخشها متمایز میشوند و این امر در این خواهان اخراج آنان از کارخانه شوند.

تشیخ قزوین

در اوایل اسفند فرار می شود به کارگران پاداش میدهد بدین جهت که کارگران که از میزان تعیین شده پاداش را نمی گیرند مجبورند که پاداش را حاکم استحقاق ما را بدهند. پاداش را یکسانی که استحقاق آنها را ندارند باید در این جهت تعیین می کنند. کارگران برای پیشبرد خواسته خود نمایندگی می دهند و این تعیین می کنند که خود نمایندگی است که او نیز روی تقاضاهای کارگران پیافشاری میکند. در این میان آشوبی که در داخل کارخانه و حزب اللهی است علیه کارگران در اوج می رسد و بدین جهت است که سرمایه سرمایه نیز در کارزار می گردد و نماینده کارگران از دست می کشند. کارگران بصورت از نمایندگی خود شعل می دهند و بسوی پاداش از آن می روند تا آنرا آزاد کنند در حالی که شعار مردمی است (عفو از جنین اسلامی) و آشوبی می آید. اما بهر حال کارگران موفق به جلوگیری از دستگیری نماینده خود نمی شوند. اعتراضات کارگران نیز روزهای بعد نیز ادامه می یابد. بقیه در صفحه ۱۴



جیش کارگری
راه آهن
مقاومت کارگران یکی از قسمتهای راه آهن در مقابل جاسوسان بورژوازی بران رژیم باعث شد چند تن از این افراد به قسمتهای دیگر منتقل شوند. اولیست اسفند ۶۱ سرپرست این قسمت تحت فشار کارگران مجبور شد یکی از جاسوسان را به قسمت دیگری منتقل نماید. پس از آن تن فرد مزبور به قسمت بازگشته از کارگران خواست که به او اجازه کار دهند اما آنها حاضر به پذیرش او در قسمت نشدند پس از اخراج این فرد اعتراضات بصورت چند تن دیگر از جاسوسان رژیم کشیده شد و آنها نیز ناچار به ترک قسمت شدند. در مقابل شاهجه بازگشت این افراد رژیم سیاسی انتصاب یک کارخانه جدید آورد. کارگران مبارز راه آهن به بنسبکه موفق شدند فعالیت جاسوسی ضد کارگری رژیم را که با مجرمستان این افراد قصد شناسایی کارگران مبارز و ایجاد تفرقه بین کارگران را دارد

روز آزاد میشوند ولی بعد از آن نیز از قرار معلوم هنوز در زندان سر میزنند. چندین مرتبه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی نشان داده که حتی از مادران و پدران و بستگان زندانیان سیاسی و اصولاً هر حرکت اعتراضی بوده باشد بچشم بد از چشم هم خود را مصروف میگردانند آن خواهد کرد.

رقبا! خطکنا وظایف ما در زمان زندانیان سیاسی و خانوادها و همکاران شماست به یاد اوری آنچه بر آنان میگذرد خلاصه نمیشود. ما بعنوان پست ها هستیم که وظایف ما با همکاران روشن که عکس و است دفاع از آنان بر عهده است این مسئله واقعتی مسلم است که آزاد میزند اینان سیاسی بواقع تنها و تنها در گرو مبارزات گسترده کارگران و زندانیان علیه رژیم و سر قایبان هم شکست می خورند. زندانیان سیاسی همچنان برای رژیم توسط خود و نماینده های انقلابی در جریان سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ممکن میسر است ولی این امر بصورت وظایف ما را برای پادشاهی است تحت تدابیر سارزه زندانیان سیاسی می داخل زندانیان سیاسی می شود و همچنین سازماندهی مبارزات و هر یک از خانواده ها می آنان و فعالیت فشار بر رژیم بهر طریقی ممکن است منظور کم کردن فشار بر زندانیان سیاسی در لحظه کنونی نه تنها مستقیماً شمارت بلکه به آن اهمیتی دو چندان میبخشد.

مادر رقت دیگر مطلب در جهت ارائه هر نمود هائی در این زمینه ها شد ام خواهیم کرد.

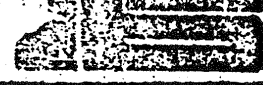
- ۱- حسن حسن پور اهل سنندج
- ۲- فریدون پانه ای اهل پانه - مراد - هوزانی (حمید) اهل ایلام - بهنام قاسم زاده رضوی (شیرام) اهل مازندران
- ۳- هوزانی (جمشید) اهل خلخال - دانی ایندوئی، شیخ مادی خلخال جلال است
- ۴- احمد - اسمعیل اهل هکسده
- ۵- قریچا - ابراهیم اهل بیگان، یکی از پیشمرگان جبرج میگرد. سایر رفقای که در این عملیات شرکت داشتند سالم به پایگاه خود بازگشتند.

سیاسی - ایدولوژیک یکی از پایگاههای رژیم در کردستان یک عضو و دو ارتش، همراه فنام بدست آمده شامل سه نفره تفنگ و ۳ پیکه نگاه تیرساز و ۳ رهنه هزارتفتند به پشت جبهه منتقل میگردند. بدینال انهد ام این واحد در جریان انتقال اسرا و فنام بدست آمده و قهرهای کمی در بین به محل عملیات رسیده و درگیری محدود آغاز میشود. این بار دشمن با بسیج بخش زیادی از نیروهای مستقر در پایگاههای ستر - بوکان که شامل ۳ هزار نفر از پاسداران و نیروهای ارتش، ۱۵۰ دستگاه خود رو نظای که ۱۲ دستگافان مجهز به تسلیح کالیبر ۵۰ بود است، وارد صحنه عملیات میشود. پیشمرگان فدائی در راه عملیات مبارزات حمله متقابل نمودند. که منجر به هلاکت ۱۵۶ تن از مزدوران و زنی شدن صد هفتاد از آنها گردید. در جریان این نبرد تیرمانانه ۱۰ تن از پیشمرگان پیشمرگان فدائی به اساسی محمود رحمتی از اعضای سازمان - فرمانده عملیات، اهل ستر ۲ - علی تیریزی اهل

جیش انقلابی
خلق گسرد

در صلاحت ۱۴ و ۳۰ و بقیه در ۱۱۳/۱۱۴
۱- بخش است و رازد همین سالگرد دستاورد سیاسی و جنبانگاری سازمان جبرجکهای فدائی خلق ایران، چند دسته از پیشمرگان فدائی در نوبت بیرونی کویک اقدام به بستن جاده ستر - بوکان نمایند در این عملیات یک واحد از نیروهای دشمن به محاصره پیشمرگان فدائی می افتد. در جریان درگیری تعدادی از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده و چهارتن از آنان به اسارت در آمدند تا دستگیر شدگان مبارزانه از جاسوسان اسیر.

و هیروی طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات قیامی است - دمکراتیک خلقهای ایران است



گزارشی از وحدت زندانیان سیاسی و زندانیان فجایع رژیم در زندانها

روزم خون و بیخوابی در محسرت کشتن انقلاب مهیوز . اما انقلاب هر روز پسر توان نوبه پیش میآید و در رویای شهرت کلمات آرامش ، " بهشت " میبود شردا در زمین و در همین جابه مزدوران و حامیان خویش بده میدهند و آرزو آرد اما آتش سوزان " جهنم " ! انقلاب وحشت زده و در غم نش از این کابوس تلخ نموده ، ضو میدهد و مضطرب از سر انجام خویشتن . و از آن رو که بجای مرگ انقلاب ، مرگ خود ، مرگ خونین و فرغی و هشتاک و تره را در پیشا روی می بندند ، جنون کاسی پسرکس و پسر جیز چنگک می اندازد و از هر آن کس و هر آن چیز که در مقابلش بایستد و ناقوس مرگش برآید اندر آورد بخشم می آید و چون اساس انتقام میکند ، از هر کون و زین مبارز ، از هر کومیت و انقلابی بگریزه از کارگران و زحمتکشان ریزشده ، آرزو توده ها یعنی از انقلاب تا توان شکست محتمل خویش میطلبد .

مجموع وحشیانه به نیروهای کمونیست و شرقی که بویژه پس از ۳۰ خرداد ۶۰ آینه طرز فوق العاده ای گسترش یافت ، همچنان ادامه دارد . هر چند که امروز انقلابیون با درسی آموزی از اشتباهات گذشته گسترده در ام مزدوران گرفتاری آیند ولیکن همچنان روزی میگذرد که تعدادی از هواداران - سازمانها کمونیست و شرقی بزدان نیستند و ساینین از خیابانها و خانه هایشان توسط مزدوران رژیم برده نشوند ، گستردگی این دستگیری ها اینچنان بوده است که امروز - بیش از ۲ هزار تن از نیروهای انقلابی در سراسر ایران در زندانهای مخوف جمهوری اسلامی بسر میبرند و همین امر سبب شده تا رژیم که شعار تیدیل زندانیان شاه به بوزه را میداد ، امروز در دشتن زندانیان بجای بیشتر برای به بند کشیدن فرزندان دلاور - خلق ناسف بخورد . به همین خاطر امروز علاوه بر آنکه کلیه زندانیان سابق چندین برابر ظرفیت زندانی در نده علاوه بر آنکه از زندانیان عادی نیز برای نگهداری زندانیان سیاسی استفاده میشود ، کانونهای کارآموزی و زمین های مسلح ، کیمته ها و فرورنگاهها ، برخی دانشگاه ها و حتی اصطبل ها و دامداری ها بزدان بدل شده اند . این امر تا آنجا پیش رفته که سران و عوامل رژیم بهر فشار و انکار عمومی و مبارزات توده ها و گاه به خاطر تمسوه حسابهای درونی حاکمیت بآن معترف شده اند . سجادی نمایندنده

د ادستانی مستقر و شهرداری تهران - " بعلت استفاده غیر قانونی از زندان در محل شهرداری و طرح از حد و مسئولیت و وظائف محوله و . . . " از مسئولیت " عزل " میشود (اطلاعات ۶ / ۱۰ / ۶۱) تا اینگونه خلاف کار چهار استتار و نه قلمد معصومی و معصولی در جمهوری اسلامی جلوه دهند .

از طرف دیگر تعداد کثیر زندانیان سیاسی سبب شده که تراکم عجیبی در زندانها و دیگر محلهای نگهداری زندانیان پدید آمده و شرایط سختی را برای زندانیان چه بلحاظ تنگی جا ، امکانات بهداشتی ، تغذیه و . . . و همچنین به خاطر نگهداری - زندانیان سیاسی جوان بجهرا دزدان و قاچاقچیان و منحرفین و بطور کلی محکومین جنایی ، بوجود آورده . یکی از زندوران رژیم بنام شالیمان ازبازرسی کل کشور پس از بازپرد ازبازداشتگاه سیاه در مشهد در همین زمینه ناچار به اقرار می شود : " اتاقها از نظر حجم و ظرفیت پذیرش زندانی زیاد تر بازداشتی دارد که نتیجه اش تماسهای بی بدنی برخی زندانیان ناپاب با جبهه های کم سن و سال میباشد " (گزارش شماره ۱ / ۳۵ / ۴۰۱ بتاريخ ۱۷ / ۱۰ / ۶۰)

در گزارش یکی از رفقای زندانی در یکی از زندانهای رژیم که بدستمان رسید - میخوانیم : " بچه ها برای توال رفتن صف می بنشینند و هر ۳۰ نفری ۹ توال دارند . . . برای حمام فقط ۵ دقیقه آب گرم میآید . . . شوش از سرو کول همه یالامیروند . در دوسو و سل و در دوسو و تیغوس مشاهده شده . جایی نهایت تنگ است و حتی تنوی راهروها آدم نشسته و تنوی انفرادی گاه تا ۱۲ نفر زندانی هستند که برای خوابیدن همه سر و ته می خوابند " .

در زندان کوهر دشت زندانیان در شرایط بسیاری بسر میبرند و لباس کافی هم ندارند و در هنگام ملاقات بدون دمیاتی و با برهنه حضور می یابند و در زندان دیزل آباد قم نیز شرایط بسیار سخت است . در اوکینو قزلحصار بسیاری از زندانیان بقاچ و بیه مرض بنام سودا مبتلا شده اند . در زمینه درمانی نیز حداقل امکانات ممکن وجود دارد . در لرستان مادر یکی از زندانیان که مدتها قبل بجرم شرکت در مراسم بزرگداشت رفیق اسکندر دستگیر شده بود میگفت : " بالآخره موفق شدم دخترم رژیم را در زندان ملاقات کنم . از پاسداران سؤال کردم چرا اینجا به اوسرم وصل کرده اید و او را به بیمارستان نمی برید . گفتند اگر او را به بیمارستان ببریم فراری کند " .

تعداد زیاد زندانیان و عدم وجود مدارک کافی علیه آنها و انتظار مسئولین زندان از بوزجوها برای یافتن سرخی در موردشان که گاه بعلت خودداری زندانیان سیاسی از دادن اسامی واقعی خود کار را برای بازجوها مشکل میکند ، باعث شده که تعداد زیادی از

زندانیان در بلا تکلفی کامل و زندان بسر برند ، حتی در موارد نادر ای حکم آزادی - زندانی نیز صادر شده ولی بازجوهای مزدور و فرافخاطر اینک بطور کلی به او شکوه هستند . با امیدینه اند که یکی از توابین یا افراد یکی در آینده دستگیر خواهند کرد اطلاعاتی جدید از زندانی منویدست دهند از آزاد کردن او خود باری میکنند و شالیمان در گزارش خود میگوید : " . . . مشکوکین از خیابانها و احتمالا از مدارس دستگیر شده اند کدنا ۷ روز انرا من مشاهده نمودم و هنوز به آزاد شده اند و نه برایش تمهیدی تکلیف نموده اند " (همانجا) و در رستگ پکنال بعد نمونه همین سخنان را از زندانی شجوسی (نماینده مجلس از کرج) می شنوم که این امر دلیل بر اینست که هوا طریم فقط در آنجا که از موج انقلاب بیخشتن اقتند و بیامت فشار افکار عمومی قرار گرفته و میخواهند تقصیر ها را بگردن جناح مخالف بپندارند لب به سخن می کشانند و گرنه بی از کمال از اقدام عطی خیری نیست . او میگوید : " مسئولان مادر کوران انقلاب اشتباهات زیادی مرتکب شده اند . ما زندانیانسان

بلا تکلیف داریم ، زندانیانی داریم که مدت محکومیشان تمام شده ولی آزاد نشده اند ، ما زندانیانی داریم که با حاکم شرع به آنهاستم کرده و با اصلا وقت آنرا نمی باید که برایشان حکم صادر کند . در حال حاضر من زندانی این راسرا و دارم که وقتی به سال سکونتش اتمتراض کرده و حاکم شرع او را به حبس ابد محکوم کرده است " (کیهان ۲۹ دی ۶۱)

اما آنچه بیش از همه چهره خنایتکار رژیم را در زندانها به نمایش میکشد از شکجه است . شکجه های قرون وسطایی که در ککر تمامی روشهای سابق ساواک و تکنیکهای پیشرفته کشورهای امپریالیستی صورت میگیرد . شکجه روانی و جسمی زندانیان سیاسی بطور توانان که به امری روزمره و عادی تبدیل شده است . در گزارش یکی از زندان میخوانیم : " اغلب بچه ها به علت کتک خوردن در اداراتشان خون وجود دارد . . . کتک شکجه جز برنامه های روزمره است آنها که محالشان بد میشود و روانگسا . میبرند تا دوباره برای شکجه آماده شوند و آنها که کمتر شکجه شده اند بر میگردند به بند و بچه ها در آن چشم پاسدارها آنها را ماساژ میدهند " .

برای شکجه ، گاه زندانیان را در سرمای زمستان روی برف باید و ن لباس از شب تا صبح نگه داشته اند و گاه برای مدت های طولانی و بطور مستم بر چشمشان چشم بند زده اند بطوریکه بشدت در اختلال قسوه بینایی شان تاثیر گذار شده است . . . لباس شکجه مانند گذشته بر کایل (شلاق) استوار است ، اما در کار آن از دستبند قیاسی و آویزان کردن ، شلاق زدن همراه با دستبند قیاسی و شوک الکتریکی ، بقیه در صفحه ۱۷

چون بستم . . .

بقیه از صفحه ۱

زند و آنان را در مقابل رژیم خلق صلاح سازد . . .

در این اثناء رژیم جنایتکار نیز که هر دم فرستی دیگر ادراختن به انقلاب . . .

امیرالیزم نیز در این تلاش رژیم همه جا با اوست و با او قدم بر میدارد . . .

نموده برخورد اتحاد شوروی و کشورهای بلوک سوسیالیستی و روبرو هستیم که بدنهال دستگیری سران حزب . . .

آیا این نحوه برخورد رگنای فاشیستی اتحاد شوروی و کشورهای بلوک سوسیالیست در مقابل این پرونده . . .

تاریخ برای حزب توده تکرار شده است و سیاستهای معاشات طلبانه آن پارذیکر به بن بست رسیده و حزب توده قربانی این

سیاستهای خوش شده است . سیاست در یونان در استان یونان . . .

آری! رشد مبارزه طبقاتی بهر رو در برابر زود حزب توده . . .

آری! این دو جنبه باری است که حزب توده در جارجیا نیز بن بست تاریخی میگردد . . .

توان در خود توجه، عکس العمل، در مقابل کودتای امپریالیستی از خود نشان نداد و سرانجام با خیانت سران خویش بسیاری راه فریادگاه رژیم کودتا فرستاد و لغت شد تا بدین ترتیب ضربه هولناکی بر جنبش ترقی خواهانه میهن ما وارد شده . . .

تاریخ برای حزب توده تکرار شده است اما شکست تاریخی ۲۸ مرداد تکبیر را نشناخته شد .

آری! جنبش کمونیستی ایران تاریخ پر فراز و نشیبی داشته است . . .



پن بیست

دشوار اگر خیانت و تسلیم طلبی
 رهبران حزب بود در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲
 بعنوان نقطه ای تاریک و منفی تصویر کننده
 شکستی استراتژیک بحساب می آید. اما
 قهرمانی و شجاعت و ایمان به آرمان پرشکوه
 کمونیسم یعنی راهائی از تیره بند هرگونه ستم
 و استعمار توسط مارکسیست - لنینیستهای
 انقلابی در ۱۹ بهمن ۴۹ و تولدی نوین و
 تاریخی نوین در جنبش کمونیستی ایران را رقم
 زده است. شعله ای که در سواحل کسک
 برافروخته شد. انتا کسک با مسائلات طلبی
 و سازشکاری رفرمیستها با رفرمیستها بود و
 تلاشی که در راستای نفی دیالکتیکی حزب
 نوده صورت گرفته بود به پارتنریست و
 تاریخ نیز جنبش کمونیستی ایران با اعلام
 موجودیت سازمان جوانان خلقی
 ایران بعنوان محور و ستون فقرات جنبش
 کمونیستی ایران می افکند. خدی که از آن پس
 در طی سالهای اختیاری حکومت تنگن شام
 و سر از سر تنی آن بود در ایران مردمی
 اسلامی با کثرت اینچنین و هم های بسیار و

تحولات و موفقیت های نامالی هاء، بانشار
 هزاران ستاره لگن بر آسمان جوانسازی و
 مقاومت و از میان برآیی از زمین و شهادت
 رسالت وظائف پشیمانک پروتوری ابرمهده
 گرفته است.

آری! امروز در تمام نقاط
 گاشی ها و دانشگاهی که سازمان در طول
 فعالیت خود با آن در بر بوده است، بزرگ
 مبارزه سازمان طی این مدت، جنبش
 کمونیستی ایران را با اسکاکی به جلو رفته
 پیش برده است. این واقعتی است که
 امروز حتی بر دشمنان کمونیسم و سازمان ما
 پوشیده نیست که حیثیت و اعتبار
 کمونیستهای بین مبارزات ستم سازمان
 در طول حیات خویش بوده که توانسته
 بطرف یک مبارزه بی امان بجهت طرف
 مارکسیست - لنینیست را در سواحل کسک
 دوران تاریخ اخیره صحنه ما، برافروشته
 نگهدارد. از همین روست که امروز فدائی و
 کمونیست یکدیگر را تکیه میکنند.

آری! امروز در ایران کمونیسم و مارکسیسم
 انقلابی کترین قزاقی به حزب نوده و افعال
 آن تد ازند و فک کمونیستهای انقلابی و
 در راس آنها سازمان جوانان کمونیستها کاملاً

جدانت. پس این کمونیسم است که در
 ایران به بن بست رسیده. این حزب نوده
 و سران خائن آن هستند که به بن بست
 رسیده اند. این تزه های رین رینستی و
 سیاستهای ساشک طلبانه و نوز رینی
 گمان مجوزی و سیاست خیانت و پشت
 پازدن به منافع کارگران و جنگشان است
 که در چارین بست شده است.

تاریخ برای حزب نوده تکرار شده است
 اما کارگران و جنگشان مبارز آگاه و
 باکوله بازی تجربه که از شکست تاریخی
 ۲۸ مرداد ۳۲ کسب کرده اند و آگاهی به
 خیانتهای حزب نوده در آن سالها و همچنین
 در طول چهار سال از هم تنگین جمهوری اسلامی
 به ماهیت اپروتونیسم بی گران این حزب
 می برده اند و دانسته اند تا جایی که
 مبارزات مستقل و انقلابی نوده هاید میگرد
 این حزب: مدتهاست اعلام انحلال نموده
 است.

آری! شکست تاریخی برای حزب نوده
 تکرار شده است ولی اینبار این شکست تنها
 گریبان خود حزب نوده را نخواهد گرفت و
 این خود نشانه پیروزی مارکسیسم و
 رفرمیسم و همان نود پیروزی جنبش انقلابی
 همین با تحت رهبری طبقه کارگر است.

یادداشتهای سیاسی

بقیه از صفحه ۲۲

پیش از خروش سول بنیان گن
 انقلاب، علاج واقعه را قبل از وقوع کنند
 فزاد از آزاد می خطیحات سخن گفتند و اینکه
 باید حمایتی! و خواسته های مردم منتشر
 شود (ضمیمه کیهان ۱۷/۱۱/۶۱) از
 کلا هر دو اینها ریشه خوارها بود های چند
 مایهوش گفتند. گفتند در مورد گران ریشی و
 استکار اندام جدی و قاطع صورت نمیگردد
 (سید جلیل زاده نماینده مجلس - کیهان
 ۷ اسفند)

گفته شد که جریمه های چند میلیونی در
 واقع تنها در حدی از مورد های کلان میلیونی
 است (اطلاعات ۷ اسفند)
 کرسی در سخنرانی قبل از خطبه های نماز
 جمعه نمونه هائی از باج دادن و حمایت از
 سرمایه داران و زمینداران بزرگ را به رخ کشید
 از ۵۰ میلیون تومان پول در ریواسی مالک و
 ۱۲۰ میلیون تومان پول اختی وزارت مسکن
 سخن گفت و گفت "اسلام تحمل نمیکند که یک
 نفر واحد های مختلف مسکن داشته باشد و یک
 نفر در تنی خیابان بماند و وجه هایش
 از زمین برونند. این آخرین سخن است برادرها
 ... والا روز زمین برسان از زمین میگویم
 بنام زمین از میلیاردها حمایت میکنم و میگویم
 این ۴۰۰ میلیون تومان کجاها میرود
 (۲۱ - اسفند)

مسکن سخن گفته شد و موسی ارد بهای اظهار
 داشت: "به مجلس پیشنهاد میکنم در آشتن
 پیش از یک مسکن معمولی را منوع کند. و هشت
 از اینده و هشت از روزی که نوده هاز هر سو
 حرکت در آید، هراس از افروختگی آتش
 انقلاب و ششم اند از خیزش عظیم خلقی و
 زلیمی را که هر کلاش سرکوب و خفقان و هوس
 حکمش شکوه و برکت و هر قانونش ففسر و
 تنگدستی برای نوده هاجرها و آشتی
 بناگردد بهاد مستضعفان انداخته، آسمان
 که ضمنی سال بعد پیدایشین "کانه نشینی
 و کج نشینی شروع میکند و میگوید: "آسرو
 ما از این خواهم رفت که این دشمنان زمین
 بروند... اگر پشتیبانی ملت نباشد همه بهم
 میخورند" (کیهان ۱/۱/۶۲) و هشدار
 میدهد: "من با پشتیبانی که در آرای املاک
 زیاد و هستند و آرای ثروت هستند به اینها
 هوش میکنم که یک شهری بحال این فقرا
 برسند... اینها هم زندگی را اشتباهند
 ... این مستضعفان را به یک زندگسی
 (برسانند)، آنها بیچاره ها تا آنه هستند
 به یک زندگی خطیط به یک زندگی که بتوانند
 احاشه خودشان را بکنند و یک سایه سر روی
 داشته باشند." (همانجا)

دسری این سخنان است که موسی نیست
 وزیر سال ۶۲ را سال حمایت از مستضعفان
 اعلام میکند در سخنرانی به نقش شرح حسن
 نیت و آزاد بخوابی رژیم در پی آید و از وجود
 تعدد اد گنیزند آسمان سیاسی ایران نگرانی
 میکند و نوده رسیده به روز اعلام وقوع عمومی
 را میدهد (پیام خروزی رشناسی)
 و نودگی که تحت هیچ عنوانی بیه کاری را
 نی بدرفت و از امرای با احکام اسلامی
 میدانت و میگوید "همایرد بیه شونده"

حق بیمه هم ندهند! (کیهان ۱/۱/۶۱)

اما هنوز شمارد فاع از مستضعفین پیام
 نشده بود. جمله به آنها آفران شود. هنوز
 پروان این شعارها در فضا پیچید و بد که
 رژیم شوجه شد اینگونه شعار داد تنها
 سرمایه داران را از آفراری میدهد و زمین منزول
 و منزول تر میکند. پس حمایت هر آنچه را
 که در دفاع از "مستضعفین" گفته شده بود
 باز گرفت و ضمنی خود در همان پیام
 توهنی با بیان اینکه "خوشگام نشینی طبر
 است خودش ضرر نیست" را برانسان
 یاد بود.

بر همین اساس و در دفاع از سرمایه داران
 و احتیاج از هم دادن مجوزی است کسک
 خاشه ای صریح تر حضور را بیان میکند:
 "البته ما وقتی صحبت میکنم که حقیقتی
 مستضعفین مورد توجه قرار گیرد، به پیروی
 خود ما این نیست که دیدها و نظرها و
 آرا" چه روا نه باید مورد پشتیبانی قرار
 بگیرند... ما از مالکینهای خصوصی هستیم
 استغفار کرده و حمایت میکنم. ما از
 سرمایه گذارانهای تولیدی از سوی کسانیکه
 علاقتد بکار تولیدی هستند حمایت میکنم
 زیرا اینها بسود مستضعفان میدانیم. وقتی
 ما میگویم در خدمت مستضعفان بودن به
 معنای نفی آن مالکینهای نیست" (کیهان -
 ۱/۱/۶۲)

رشنجانی نمایند "خط امامی" هادک
 همواره در لیس "املاح طلب" ظاهر شدند
 و پیش از دیگران از محمد آلت لجنی "ورقاه
 مستضعفین" بقیه در صفحه ۲

بازار اقتصادی سیاسی

بقره از صفحه ۶

سخن میگفت و بفرموده میباید
 در سفر انجمنها پیش در تمام جمع های ۵ و
 ۱۹ فروردین و نیز ۳ اردیبهشت پس را
 نوع دفاع از استقلال کشور را
 سرمایه داران ترغیبند، تشریح میکند
 رهنمایی با تاکید بر روحیه استکباری
 میکند. نظریه آن نیست که پولدار در
 جامعه نباشد... صرف داشتن انسانها
 مستکن نمیکند... میشود کسانی باشند که
 زیاد در آباد داشته باشند و این درآمد
 را هم بخوبی برای مردم خرج بکنند و -
 آنچه میکند هدف اسلام اینست که
 نخواهد آنچنان بین مردم تفاوت و
 باشد که ثروت و پول امکانات مایه عدالتی و
 بعضی و لغت و تبعیض مایهت بی محتسبا
 بنا کند بیشتر میکند
 پیشنهاد " طبقه کارگر را
 در کار گروهی و نه بهایت هاد کار فرما بصورت
 طبقه " میگردد " مابا طبقه برخوردار -
 نمیکند. مانی بد مردم مکن است در طبقه
 کارگر هم انسانهای کم ارزشی وجود داشته
 باشند و مکن هم هست در طبقه کار فرما
 انسانهای با شرف و دارای امتیازات واقعی
 انسان وجود داشته باشد.

حقیقتا هم رژیم قادر نیست حتی در -
 محدود و شمار فرمهای نیم بند دست به
 مانع زند. رژیم که رسالتش بازسازی نظام
 بوده خود سرمایه داری است و حیانتش
 در پیوند تنگاتنگ با این نظم قرار دارد چنانچه
 گمناب صورت همان هیل و هراس نمیدانند
 در رد سرمایه داران، ضمن مصود از این
 چهار هار اخیلی صریح آشکار سازد. خلاصه
 از آن جهت که بکنه رهنمایی پس از دنیا
 اقتصاد نسبی میان سرمایه داران بوجود آمده
 و وضع جهانی رسیده که سرمایه های مردم
 در بانکها حرکت مردم در بخش اقتصادی
 جهت چشکوری نشان میدهد.

کافی است تنهایی در زمینه از کشته های
 سران امه اشاره کنیم تا آشکا

صنعتی ترین رنگ میازد و دفاع از مستکبرین
 میان میشود، تا آشکار شود رژیم چگونه هر
 آنچه را گفته انتقاد به سرمایه های کلان
 و شاه محرومان و عدالت مکن و... در با این
 میگردد و سال مستضعفان را با فقر و تنگدستی
 و استشاره بهره کشی بیشتر محرومان آساز
 میکند.

موسی اردیبهشتی پیشنهادش در باره
 سخن از تصحیح میکند و میگوید: "بعضیها
 زجمع به پیشنهاد من نظریه داده اند مقلد
 است و بعضی اعتراض میفرد کرده اند. (که)
 ... این حرفها بیان اند از ضروری نیست

... منظور من اینست که مسئله و مشکل مکن
 باری نیست که بر دوش یک نفر بگذارد. مردم
 مشکلی است که همه باید در بر طرف گیرند
 آن مسهم شوند. پولدارها متکلمین و آنها
 که میترانند دولت امکانات دولتی، بعضی
 خصوصی، همه جمع شوند و یک مقدار این بار
 را سبک کنند. مردم خیال نکنند باید حرکت
 مسئله حل میشود... شاید از این که من
 میگویم اشتباه باشد (اطلاعات ۱۳/۱/۱۳۸۸)
 و معتقد رضایی برای تثبیت حدائق دستمزد
 کارگران اینگونه برهان می آورد: "بنا بر چه
 باینکه هرگونه افزایش دستمزد در افزایش
 نرخ تورم بدون اینکه یک چندانی در -
 افزایش قدرت خرید کارگران داشته باشد
 اثر خواهد گذاشت و سبب بالا رفتن قیمتها و
 کاهش قدرت خرید آن دسته از اقشار جامعه
 که افزایش حقوقی ندارند خواهد شد و نهایتا
 سیاست عمومی دولت در مورد تثبیت قیمتها
 در سال جاری، قرار شد حد اقل دستمزد هم
 چنان ثابت بماند." (کیهان ۱۱/۱/۱۳۸۸)

سرازمیز را میخطا میفرماید. دفاع از
 سرمایه داران و بازسازی "نظم" سرمایه را
 جز این راه نیست، رژیم چاره ای ندارد -
 جز آنکه اشتراک و تضاد را "جرم" و "گناه"
 بشمارد و از اعلام اساسی "مستکبرین" و
 شریکهای اقتصادی "در روزنامه اقتصاد
 روز دوشنبه زبان ماسخ بگوید که "اگر تضاد
 نباید به روزنامه ها بچیز لید کشید و شده
 اساسی نشین نباید در روزنامه ها بیاید و به
 آنها تکیه از اقیانوس جرمشان جمله کنیم. بعد
 از اشیاء جرم نیز این اجازه را نداری مگر
 آتشی که اسلام اجازه نداد و بعضی از
 گناهان اجازه نداد که مشهور و معروف
 بشوند. ضد انقلاب باید به جامعه معرفی
 بشود... بنا بر چه به این بنگنه که اساسا
 اسلام اصل را بر ارشاد گذاشته است."

" ضد انقلاب " باید معرفی بشود. " ضد
 انقلاب " اما همان کارگری است که هرگاه
 صدای اعتراضی برای رسیدن به حقوق پایمال
 شده اش بلند کردید و زندان این چیزها
 بود و کوله های پسته از آن هدیه رهبر
 آنان. " ضد انقلاب " همان بیگاران و -
 زحمتکشانی هستند که باز و ستاها بشهرها
 اندند تا از طریق رگد داری و یاد ستیزی
 امر او معاش نمایند که خوششان بر سنگفرش
 خیابانها جاری گود.

اینها همه اما، کار ساز نیست. رژیم
 چاره ای برای بحران افزایشده می نیست و
 نیافت. دیگر نه جانی برای شمار باقی است و
 تفاوتی به سرمایه داران قادر به حفظ
 رژیم و صدای ناقوس مرگ رژیم بر طنین تراز
 آنست که با صدای ضعیف شعرا اصلاحات
 نیم بند محو و موقوف کرد. اکنون شعرا بیچ
 دفاع از مستضعفین دیگر رنگ باخته و به
 جای توبه، خشم و کین جوانه زده است.

براستی طنین ناقوس مرگ آنچنان رسا است
 و حشمتی و تابود و سر نوسنگین و کینت
 بار رژیم از همان بر طنین است که " باران
 و اجرات شرکت در کارهای دولت نیست
 شعرا و ای قضای و خسته جنسی استعطف
 میدهند و دیگر برای جا بگزی می تند لرنند غالب
 شهای منتظری بر فرزند صفتی فرمان " اسلام
 بی جواب میماند. موسی اردیبهشتی از یکسری
 روحانیین میخواهد که برای همکاری با شعرا
 عالی قضای همکاری نمایند. ولی باستند
 موسی آنان در حالت "تغصن" بدین جهت
 جنسی متوجه شد و او هم با کتب تجار و
 تقیاب حرمه های مله بعنوان یک "فکر
 فرمان در ارتداد و طلمین راه شعرای مالینی
 قضای معرفی نمایند. اما فرمان بلاجوس
 مانند تا آنجا که موسی اردیبهشتی در شاره
 اعلام داشت:

" تلفن کردم به یک روحانی، گفتم با فلان
 شخصه در بیان عالی کشور از راه گزیر ایشان
 میگفت من نمیخواهم، من مگر قنارم... اینقدر
 با اینک و چینه زبیم، لغزشی ناراست
 خدم... گفتم حق داری من باید التماس
 بکنم، شما باید ناز کنید. چون اسلام ارتد
 بدین وسیله مادر من است... من
 میگویم این کار مانده... التماس میکنم
 دستبر اینوسم حاضر نیست بیاید...
 میگردد من میترسم (اطلاعات ۱۳/۱/۱۳۸۸)

رنگ باختم شمارها... تی اعتباری
 و ترس " باران " این همان چشم انداز غیره
 ناری است که در برابر رژیم جمهوری اسلامی
 ترسیده است.

و ده رفاه نمیتواند توده ها را
 رژیم جلب کند. کذب و ده ها آشکار
 آن است که بخوان کترین روزه ایدی بند
 آنها داشتند. توده ها کام پیش میگردد
 سرگوشی رژیم و اصلی سازند.

امتیاز هم سرمایه داران نتوانسته از
 با بحران بگردد. گفتند این نظام
 دستگاه دولتی، مشکلات را چندان بر
 قرار داده ای امیرالینسی تنگ
 و شکستی را نجات دهد.

جمهوری باید کاری کرد. پس خطاب به
 سرمایه داران میگوید:
 شما با "خرد و ناپایان" و مابا
 حمایت از مستضعفان
 شما سرمایه داران و مابا کوله
 بیایم خلق را سرکوب کنیم تا نگردد
 بنیادمان برانداخته شود.

توده ها، اما، با سخنان اینست
 پس رژیم بسیار آن، فرمانروایی
 و زشتی پایان باختم است.

کمیته های مخفی تفاوتی در روستا ایجاد کنیم

خون ثنائی

بقیه از صفحه ۲۲

حجاب که از سبک فروتن رژیم پرستنداری
رگهای برآمده ای آنباشته از نهار برده منجما
و در برف و تیز برف که نمپا کلامی امپتور زبانتی در
چهره اش زبانیان میکرد.

رژیم برای آنکه زند و بماند و خود را
حق میفاند و حق برادر را بر او باطل
میکند از راه "باطل" را نابود شدنی حصار در
پاران راه "شهادت" میخواند و میدهد
زیستکاری میدهد و دشمنان راه "مسرک" و
"عدالت ابدی" میدهد میکند. او حتی حق
را که گرفته بیستام باز پس دادن و پانزده
صبر از آنکه "تخت فرمان" بهترین نمونه
این آخری بود.

و "نعمت" امپریالیستیامینی پرستند
بشرد سیاستهای پیشین خود، ریاتی -
دوباره، که باز کوششی است برای فریب
نوده ها، برای افشانی بیشتر انقیاد
قراردادهای امپریالیستی، تا آنکه شاید
چاره ساز اقتصاد و شکسته و اهری برای
بازسازی نظم سرمایه دارانه باشد.

رژیم جمهوری اسلامی، همان سان که
برای کارش هست، در روز نیز هست. همان سان
که از آمدن پیروزان را بدلیل افزایش تولید
و نه واردات زیاده طلبند (که همان
۲۲/۱/۲۴ - گزارش مجلس)؛ فزونی قرار
دادن برای امپریالیستی را بدلیل اقتصاد
سنگین و استقلال کامل و نه وابستگی بیشتر
نمایاند.

"ما در مرحله ای هستیم که رکود اقتصاد
سی ریاضت سرگردانده و وارد و بران رونق
اقتصادی شده. اطمینان و نظرد خاثر آرزوی نیز

در سطح بهتری از ابتدای پیروزی انقلاب
اسلامی قرار داریم. . . (از نظر بود اخست
پدهی ها) نسبت به کشورهای جهان در
بهترین موضع قرار داریم. بدین ترتیب
نظام از نظر اقتصادی استقلال کامل دارد.
(موسوی نسبت و نیز که همان ۲۴ اکتبر ماه
۱۳۱۱)

رژیم مدعی است که پس از پیروزی انقلاب
نه تنها در جهت "در هم شکستن وابستگی
سهای اقتصادی بفریب" کام برداشته بلکه
"برای رفع نیازند بسیاری بازگانی، روابط
خود را با کشورهای شرقی و جهان سوم
گسترش داده است (پانکی - کیهان
۲۲/۲/۲۲)؛ مدعی است که اکنون جهان
برای اقتصاد جمهوری اسلامی، بدلیل
تکروانی اقتصادی اش "حساب" باز نموده
است. و برای اثبات این مدعا درخواست

شوکهای بزرگ انگلیس برای همکاری
اقتصادی با ایران و سخنان هیات های
خارجی بازگانی منی بر درخواست توسعه
روابط اقتصادی با ایران بدلیل "وضعیت
فوق العاده اقتصادی جمهوری اسلامی
ایران" را در روزنامه هایش منتشر میکند و
میکند: "در مسئله اقتصاد خارجی، تعطیل
گران بیان کردند تنها کشوری که با وجود
حنگ بدی ندارد ایران است و اکنون به
یک ثبات اقتصادی رسیده ایم و جهان برای
اقتصاد ما حساب باز نموده است اما چرا در
اقتصاد داخلی تاراجی داریم." (خاموشی
کیهان ۱۲/۱/۱۲)

در باب اینکه چرا "اقتصاد خارجی
مقبول" است و در اقتصاد داخلی تاراجی
وجود دارد، ما در بخش دیگر مقاله بسند آن
خواهیم پرداخت. بحث ما سیاست
بازگانی خارجی جمهوری اسلامی است
که رژیم سعی میکند با لطائف العمل و کاربرد
الفاظی چون "نه شرقی، نه غربی" واقعیت
آنها را وارونه نشان دهد.

واقعیت، اما، خود را به روش نشان میدهد
و جمهوری اسلامی با تمامی تلاشهایش، با
تمام فریب و پراکاری اش نمیتواند حقیقت
حقیقی اثر اینها را در روزی که در -
عرصه سیاسی، با پیش بزی سرکوبی پیش روی
کشور، شکسته و اهری و راهای انقلابی
با سرکوب انقلاب به اسم انقلاب

منافع امپریالیستی را تامین کند،
تا آنکه در منطقه روزنه های اقتصادی نیز
در آسیای وابستگی به امپریالیسم و تامین
منافع آن حرکت میکند. چنین رژیم، صلح
الگوسر امثالقیبا" العقی خواهند بود. -
زیرا هنگامیکه در اصول سیاست و نحوه
فصل در یک تئوری فاشیست نباشد و حرکت هم،
هم جهت باشد، در اصول اقتصاد و به تبع
آن سیاست بازگانی خارجی نیز از آنکو قرار
میکند که پیش از این، جهت حرکت را مشخص
کرده و پیش برته است. آنهمین خطی
"خارم" "مستضعقان" که زمانی میگفت
رای اکثریت در برابر رای من یعنی والی فقیه
اسلام هیچ است را مقابل این سخنان
ضیا" العقی بگذارد که میگوید: "کارها
باید طبق خواسته های مردم انجام گیرد
ولی چنانچه اکثریت چیزی مخالف اصول
اسلامی بخواند و این دیگر قابل قبول نیست
(کیهان ۲۲/۲/۲۲)؛ آنگاه باید کسی
آشکارا ببرد که بنی سیاست بازگانی
خارجی رژیم نیز همان سیاست ضیا" العقی
منی بر بود داشتن نظام موانعی که بر سر راه
سرمایه گذاری خارجی بوده و سرمایه گذاری
بخش خصوصی امریکای پاکستان و حفظ منافع
آنها" (کیهان ۲۲/۲/۲۲) میباشد. و
از این رو قرار داد های بازگانی رژیم نه حرکتی
در جهت قطع وابستگی و خودکفائی که تنها

چاره و نه پیروزم اسلامی ایران خواهد بود
ناشاید "وارد رونق اقتصادی" شود و با تمام
هم بتواند از "تصدیهای" دیگری بگذرد.

رژیم جمهوری اسلامی، دشمنان از افسان
سیاستهای پیشین خود، چون ملی گرد
سرمایه خارجی و ناقص سیاستهای همکاری
در پیچند جانبه با کشورهای امپریالیستی
وابسته به امپریالیسم و . . . که تماما به
اثر فشار بوده ای بر ارتحال گردیده بود.
اکنون به "مانعی" در برابر سیاست بازگانی
خارجی مظلومین تبدیل گردیده است؛ و نسبت
تکرار از اینده و وضعیت ناپه حصار مالسی
ناپسانمانیهای اقتصادی که اسلام اش را
بار دهد، به تلاش در پیچند آن ولی بگفته
دیگر برای برقراری این نوع مناسبات و استقر
افزاد اما در ظاهر با شعار "استقلال و خودکفائی"
دست زده است.

رژیم قیمت هر شکه نفت را نه، و دلار
اندای موسوی نسبت و نیز که به کمتر از
رسی او یک بحراج گذاشته، همین همکاری
منطقه ای (از روسی، دری) بیانی که در زمان
شاه بین ایران و ترکیه و پاکستان شکل گرفت
به نحوی دیگر احیا کرده و به نفع شرکت
و رشکته امپریالیستی شناخته و برای مازده
امپریالیستی! ا! در صدد است بازار مشترک
اسلامی مشکل از کشورهای وابسته و با اصطلاح
اسلامی منطقه بنامند، اما برای آنکه
امپریالیستها به کفش بمانند، سرمایه های
خارجی را باز پس میدهد.

در ابتدای سخن مناسبات ایران با
ترکیه میروانیم. در گزارش مجلس در
اطلاعات ۲۲/۱/۲۰ میخوانیم:
"روابط تجاری بین ایران و پاکستان هر
گذشته بر اساس دو موافقتنامه که یکی بهمان
بین المرزی و دیگری بیان آر سی. بی
بین ترکیه و پاکستان و ایران بعنوان
همکاری منطقه ای منعقد شده بود. . .
بعد از انقلاب اسلامی دولت درخواست
در این اتحادیه بماند و شرایط آنرا باید بود
و جمهوری جدید شود ولی روابط تجاری

نیازمند به یک چارچوب بود. . . روی این
اساس این موافقتنامه بین پاکستان و ایران به
اضافه رسید (منظور موافقتنامه مورد بحث
در مجلس است) . . . این مناسبات است
حالا چرا این آمده بخاطر این است که قرار
داد "ار سی. بی" را منحل کنیم

برقراری مناسبات با کشوری وابسته تحت
هنوان "جواز" باشد یا "بیان" در ماهیت
امر، تفاوتی بوجود نیارد. نتیجه منطقی و
تبعی این قرار داد، همانا رسمیت بخشیدن
بخبرد انواع کالا های نظامی و غیر نظامی از
پاکستان در از "ارسال نفت است که تنها
یک تلم آن گفته ی مرتضی محمدی مدعی عامل
شرکت بازگانی
بقیه در صفحه ۱۹

ریشه شای طبقاتی

نموده و پیشترانه شناخت نقش جنبه پس در هاله آن در تاریخ ایران، باران انتقاد و تحقیر از احیای و رقاب زنده ترین الفاظ و تعابیر آن میارند، و درست است که در این روزها جنگام در بافت خیرد سنگری سران و افسان حزب توده، اکثریت مردم، با احتیاط و با طرد زهر خندان، بالاخره خطای هم در کوزه افکار و تحویل میدهند به مدعا خود شخص از سیاستهای های نوح روز آن اشاره میکنند، ولی تمامی اینها هیچگاه نمیتواند نیروهای کمونیست را از ضرورت - برداشتن به شناخت خلعت و پایگاه طبقاتی حزب مظهر باز آرد. نازمانی که این مهم بطریق علمی و با توجه به نقش و کارکرد تاریخی حزب توده شخص نشود، حتی طومار هفتاد منی فاکتور و حج گیری های سیاسی چندین ده ساله نیز هیچگاه نخواهد توانست به تنهایی قلمرو ایدئولوژیک جنبش کمونیستی و کارگری ایران را از حملات و ضربات فلج کننده این حزب خویون آرد. چنین حدیثی تنها به پشورانه آن مفرط ملی "فراپند فای کبیه" جنبه حزب توده است بدست نخواهد آمد باید به جوهر و محتوا و طبقاتی نقش این جریان سیاسی ننگی برد.

در استادی استیاسی به این هدف، بررسی کمونی در زمینه های سه گانه زیر به تحلیل موضوع مورد نظر خواهد پرداخت: ۱- طوقه سرمایه و سرمایه داری از بدگاه حزب توده ۲- پایگاه طبقاتی حزب توده و ۳- رابطه حزب توده با قدرت حاکمه و جایگاه آن در جریان مبارزه طبقاتی.

در بررسی کمونی سعی شده که در درجه نخست به مهمترین اسناد حزب توده یعنی برنامه سال ۱۳۵۴ و مجموعه اسناد صوب هفت همین پلنوم (سوم) کمیته مرکزی حزب توده ایران "نوروزین ۱۳۶۰" که در حقیقت ماحصل و چکیده منجمد بهترین اصول ایدئولوژیک و سیاسی و اقتصاد و این حزب است، انتقاد شود، و البته در موانع ضروری اشارات و توجیه لازم به سه سرچشمه اصلی این اصول یعنی تئوری راه رشد غیر سرمایه داری که اساسا از جانب تئوریسینهای اتحاد شوروی ترویج، تبلیغ و "همگرده" جهانی می باید نیز صورت خواهد گرفت.

مقوله سرمایه و سرمایه داری از دیدگاه حزب توده
چرا در هر مرحله از تکامل اجتماعی و در دوران هر دوام، پیروزه در سالیهای حاکمیت

بزم جمهوری اسلامی، همواره شعارهای حزب توده در باره دولتی وطنی کردن همه سترین بخشهای اقتصادی و اصلاحات ارضی قانونی و تعارضی کردن حوزه های مختلف، بلا انقطاع از در و دیوار بر جامعه می بارید و بچرا در این راه تمامی اصوات آسمانی و مجاری زمین با قدرت هر چه نامشیر بکار گرفته شده اند؟ چرا در این میان اصل "دولتی کردن" در پیش این حزب بصورتی حاکم بوده که همواره بتواند بر مضمون ماهیت طبقاتی و ولت های سایه افکنده و این مقوله اساسی و تعیین کننده را تحت الشعاع اصل مزبور قرار دهد؟ در حقیقت منظور از ترویج و تبلیغ دولتی کردن بهائیه خواست و مایل در بر آوردن و منافع توده ها بدون آنکه تا کید شخصی در ماهیت طبقاتی و ولت های صحت بگیرد چیست؟ چرا اصل و ابعاد مختلف دولتی کردن، پیروزه نفع خاصی از آن که در ارتباط با کسب های خصوصی صورت گیرد، هر زمان اساس و نیز مرزهای موضع سیاسی و ایدئولوژیک حزب توده را تعیین میکند، و چرا در بدگاه "حزب توده" مفهوم آزاد بهای سیاسی و دگرگشت پیوسته در اشکالی نمود می باید که هیچگاه به قدسی این اصل خلل وارد نیاید. اساسا چرا حزب توده قادر است به آسانی زجر ساهترین و در هشتاد و نهمین ساله همین امدام و به زنجیر کشیدن چندین هزار از نیروهای انقلابی و کارگران و زحمت کشان را قربانی حیثیت از زخمی کند که نهایتا کنگره میتواند کار میکانیکی از دولتی کردن های منظور نظر حزب را به نمایش بگذارد؟ چرا از بدگاه حزب توده و حامیان بریزد در پشت آن، امدام بی وقته در هماهرا نرفرا از زنده ترین انقلاب چون سخت حاصل جنبش انقلابی ایران چند این جنبی به آزاد بهای سیاسی جامعه وارد نمی آید ولی اخراج فلان همه توده ای از فلان ارگان دولتی خود پنهانی کانیست که اساس دگرگشت را در ایران شزلزل کند و حتی تمامی امواج را در پویشی و ستان در و نوز یک راه گریزه در آورد، آن چنانکه کمونی دگر انقلاب منحرف شده و راه تکامل اجتماعی شرقی ترویج شده؟ اساس پاسخ به سئوالات و پرسشهای از این قبیل را باید در ماهیت پایگاه طبقاتی حزب توده جست

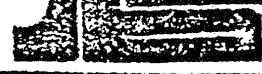
پیش از برداشتن مسائل مورد نظرند کسر این موضوع ضروری است که بررسی کمونی قصد طرح اشکالاتی در برابر این شخص حزب توده از مرحله کمونی انقلاب ایران یعنی "انقلاب دگرگشت" و ملی "نداشته" و با هیچ وجه در نظرند آرد که چنین "انقلاب" پنهانی را با انقلاب سوسیالیستی قیاس کند، و لذا اگر در خلال بررسی همین که مقولات اساسی و ساختاری جامعه ما بر مفاهم سوسیالیسم علمی مورد بحث قرار گرفتند، صرفا بدین دلیل است که ساختار تئوری "حزب" اساسا بر مبنای این اصل بنیان شده که بطرز بسیار پوشیده و در لفاظی لفاظی های گوناگون، جعلی

خصوصیات اقتصادی و سیاسی طبقه کارگر را گام بگام زیر کانه به "افکار خلقی" مورد نظر خود انتقال دهد تا از طریق این خصلت بخشی طبقاتی، آنچنانکه خواهیم دید بتواند زمینه گذار غیر سرمایه دارانه جوامع عقب مانده به سوسیالیسم را فراهم آورد.

"سرمایه" و "استثمار سرمایه داری" دو مقوله اساسی اقتصاد سیاسی بنام میروند که تعیین و درک علمی آنها از نظر مارکسیسم از اهمیت ویژه ای برخوردار است، و این اهمیت در آن حدی است که بر اساس در یافتن صحیح و با انحرافی از مفهوم، شرایط وجودی و شرایط محتوایات مزبور میتوان به عبارات علمی و با توجهات انحرافی مدعیان مارکسیسم سوسیالیسم در اشکال و بیرونیستی، بیرونیستی و... آن می برد. آیا حزب توده این مقولات را در رابطه با شرایط جامعه ایران چگونه به مای شناساند؟ آیا درک این حزب از مقوله سرمایه و قلمرو کارکرد آن مطابق و متناسب با مفهومی است که مارکسی می شکافد و آنرا در درجه نخست نه یک شیئی بلکه یک رابطه اجتماعی معین در مرحله تاریخی معینی در

یک جامعه میداند که قادر است مسائل تولید را بوسایل کنترل و استثمار کارزنده تبدیل کند؟ (سرمایه جلد ۱، ص ۳۰) و آیا بر این است "حزب" از استثمار سرمایه داری همان بهره گیری است که در اثر وجودت و شش رابطه اجتماعی (سرمایه) در اشکال گوناگون آن (خصوصی، انحصاری، انحصاری دولتی، از طبقه کارگر بعمل می آید؟ البته حزب توده در این باره با ما سخن خواهد گفت، اما پیش از این ضروری است که مختصراد این باب به عقاید آشکاران سوسیالیسم علمی که عمقا از تجارب تاریخی تاخیری پذیرفته اند اشاره کنیم. مارکس در کتاب برارزنی خود "سرمایه" چگونه پیدایش سرمایه و نظام سرمایه داری از طبقه ثنود الیوم اروپای غربی و اخصا در نشان میدهد و این کار بزرگ در مرحله ای از تکامل نظام سرمایه داری انجام میگردد که اروپا هنوز در مرحله رقابت آزاد سرمایه داری قرار داشت و قلمرویی که سرمایه و مناسبات سرمایه داری در آن موجودیت و با گسترش می یافت عمدتا در وسعها شامل و بزرگترین سرمایه داری خصوصی میشد. پس از او در اوایل قرن نوزدهم پیدایش اشکال مختلف کارکرد سرمایه های انحصاری بود که انگلیس به خصلت جنبش سرمایه ها و اهمیت آنها در اجتماعی کردن سرمایه دارانه ابزار تولید توجه کرده و در این میان به نقش حیاتی همگرده سرمایه در قلمرو مالکیت دولتی آن تأکید میوزد. اوقاتی مدعیان دروغیست سوسیالیسم را که تحت چنان شرایطی در تلاش قالب کردن سرمایه داری دولتی بجای سوسیالیسم بودند مورد انتقاد قرار دادند و اعلام میدارند که

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر



چنین تغییر شکلی در مالکیت سرمایه یعنی دولتی کردن اثرات بیوجهی نمیتوان کام و باگامهای مستقیم و غیر مستقیم و یا لگانه و ناآگاهانه سوسیالیستی نمود.

(آنتی رولتنگ) در قرن بیستم سرمایه اشکان کار خود زمین و بسیار جهان گسری یافت و در ابعاد خصوصی و دولتی خود حتی به مزدی ترین سرزمینها و جوامع هجوم برد که تعیین لنین از این کارگرد امپریالیستی سرمایه از معروفترین نظریاتی است که در این باب می شناسیم. اما از نظر مارکسیسم - لنینیسم سرو کارگرد بالنده سرمایه تهاياتا کما میتواند ادامه یابد و در حقیقت آن شرایطی که مباحثت در بر دارد و نقطه پایانی این عملگر بالنده و یا مباحثت دیگر سرگنازیروسه زوال آن باشد کدام است؟ لنین به یشتوانه تاریخ و تئوری جنبش کارگری و کومنیسم بین المللی و نیز نیازات امضتن از تجارب - سوسیال دموکراسی و انقلاب روسیه این سوال را مشخص میسازد: انقلاب پرولتری و حاکمیت یافتن پرولتاریا آن نقطه پایانی است که پایمان کارگرد بالنده یا آغاز پروسه زوال سرمایه به بنایه یک رابطه اجتماعی معین را اعلام میدارد و در آن دیکتاتوری پرولتاریا آن دوره گذاری است که تولید و توزیع سوسیالیستی مطابق با نیازهای ریزی عملی و موازین دموکراسی پرولتری بر این رابطه اجتماعی و تمامی مظاهر رویشانی آن نائق میشود. بنا بر این کارماتی که چنین شرایطی تحقق نیابد و بدین طریق تولید کنند و بلاواسطه یعنی طبقه کارگرد اداره - هد فئودر سازمان یافته تولید و توزیع اجتماعی را بخورد و دیگر جنبششان اختصاص ندهد.

سرمایه بنایه آن رابطه اجتماعی که منشاء اختیار کارزند است حضور داشته و در این یا آن شکل از قوت و ضعف عمل میکند، حتی اگر قدرت سیاسی در پی یک انقلاب سوسیالیستی در دست پرولتاریا قرار گرفته باشد. درست یچنین دلیل بود که لنین حتی پس از گذشت چندین سال از پیروزی انقلاب اکتبر، هنوز از سرمایه داری دولتی بعنوان چیزی از ساختار گونه گین و درجه آمیخته روسیه شوروی شام میبرد. در حالیکه دولت پرولتری از آن پس قدرت سیاسی یافته و حوزه های اقتصادی کلیدی و وسیعی را با مالکیت خود در آورده بود. با توجه به این منتهی در می یابیم که از نظریه سوسیالیسم علمی قلمرو کارگرد سرمایه آن محدوده ای است که در قالب آن استثمار کارزند و تحت اشکال متفاوت مالکیت سرمایه و دیگر مناسبات سرمایه داری صورت میپذیرد.

حال چینییم از دیدگاه حزب توده قلمسرو نهایی عملگر سرمایه در کجا قرار میگیرد. هر چوینده ای نمیتواند بارها معتبرترین اسناد سیاسی واید تئوریک حزب توده را مرور کند و به همد ها مورد از کارگرد اصطلاح استثمار و سرمایه نیز بخورد نماید. ولی هو آنچه که بیشتر ریی و موردن با ما فهمیم علی مقولات مزبور در این. متون باشد کمتر خواهد یافت.

ریشه های طبقاتی . . .

بنیه از صغه ۱

بعضوان مثال در اسناد مزبور. خواننده ه بارها یاغابیری همچون استثمار یک کشور امپریالیستی ازین کشور تحت سلطه و استثمار یک سرمایه دار زمین دار بزرگ از - کارگران و دهقانان مزاحمه میشود، ولی هیچ گاه در نخواهد یافت که در جوامع معینی گسه منظور نظر "حزب" میباشد (قالت جوامع ازین رسته) در پروسه های تولیدی که ابزار - تولید آن در مالکیت خصوصی سرمایه داران - نیست، بر سر کارگران چه می آید، و اهلولا تکلیف ارزشهای اضافی ایجاد شده توسط اینان به کجای می افتد. آیا چنین پروسه ها حتی نیز محمل استثمار کارگرد منشا" تحقق ارزش اضافی بشمار می آیند؟ پسهم هنگامیکه ما فهمیم مزبورانی و روموستی مقولات مزبور جانشین ما فهمیم مارکسیستی آن مرشودند.

حزب مدعی رهبری طبقه کارگرد ایران به چه تحلیلهایی دست می یابد. "حزب" در برنامه ۳۵۴ خود یعنی دودوره اچ تسلط سرمایه داری بر زمین شاه میجویند: ۳ امپریالیسم از طریق بیادلات و معاملات نابرابر میسوزد فراوان میسوزد و صاحب ارزشهای اضافی میسوزد و با دستگیری هیئت حاکمه عمواید سرشارنفتی مارا از اهلای گوناگون اعلام شده و نشده. بار دیگر به کیسه غارتگری خود باز میگردد. این بهره کشی فوق العاده ناچار از میزان انباشت ضرورت در محل کشور میکاهد و رشد نیروهای مولد کشور را محدود میسازد.

بدین ترتیب کشور ما از جهت اقتصادی، مالی، فنی و تکنولوژیک به امپریالیسم جهانی وابستگی می یابد. البته، این نوع ارتباطات که بر اثر آن حقوق حقه مردم ایران پاسال میشود موجب وابستگی است. فخر از آن روابط و همکاری بر ابر حقوق همه جانبه است که در جهان امروز باید میان همه کشورها برقرار باشد. مردم ایران خواستار روابط برابر حقوقمند و وابستگی را مردود میسازند ("برنامه ۱۲۶"، تاکید ما). آری در غارتگری امپریالیسم شکی نیست و حتی مورد تأکید هر پیروز و فرجینی هم نمیتواند قرار گیرد، اما مسئله اینجاست که از "حزب طرازیونین طبقه کارگرد ایران" انتظار می رود که با در نظر گرفتن واقعیت همپیوندی ساختاری نظام سرمایه داری و - پیروز وازی ایران با امپریالیسم جهانی، این چنین با حجب و حیا" احترام آمیز" بقوله سرمایه و ریشه ای ترین مظهر کارگرد آن معنی استثمار در درون جامعه ما منکرند. چرا باید همین چیزی صرفاً به کلمه "انباشت" اکتفا کند و از آوردن کلمه "سرمایه" بدشمال آن شرم حضورش شود؟ بهائنده این شرم حضور

احترام آمیز از نقل فوق بزرگ انیم تا بسینیم منظور حزب" از حقوق حقه مردم ایران چیست. در سال ۱۳۰۴ یعنی در اوج - سرستی سرمایه داری ایران، اگر امپریالیسم غارتگره انباشت "حزب" بر آن تأکید دارد، عمواید نفتی مارا یار دیگر به کیسه خود بساز نمیکردند و در همین پیوندی یابود ووازی ایران و دولت آن کارگرد سرمایه را در جامعه ما سرور آورنی یافت چه میشد؟ استثمارت که انباشت سرمایه (و نه انباشت آن چیز نام نبردنی) شدت بیشتری میگردانست، نیروهای مولد و میجمله طبقه کارگرد ایران رشد فزونیتری می یافت، تعمیق و گسترش پروسه های تولید و توزیع سرمایه داری خلق ارزشهای اضافی و خلق آن یعنی استثمار کارزند را - شتاب بیشتری می بخشید، و مختصرانکه پروسه باز تولید سرمایه هر زمان آهنگ کند تری بخورد میگردت، و البته تمامی این جریان پیچیده و پیچنی بر اساس طبقه کارگرد ایران، ازجانب حزبی که سنگ رهبری و حفظ منافع همین طبقه و دیگر زحمتکشان رایبه سینه میزند یعنی تا مین "حقوق حقه مردم ایران" آری، حزب توده از استثمار حرف میزند مشتی در حد منجی که بیانگر وجه بنسند ی امپریالیستیهای مختلف در "استثمار توده های زحمتکش کشور ما" باشد. و با تهاياتا و سرمایه مستطاطه بیانگر بهره کشی مالکین خصوصی سرمایه از کارگران مربوط میشود. اما اینکه چرا حزب مزبور روی این محدودده ها، انگیزه و برداختن کارگرد سرمایه و تحقق استثمار را در خود نمی بیند مسئله ای است که باید بیشتر مورد بررسی قرار گیرد و در همین راستا است که باید منظور "حزب" از "خواست مردم" و بیگونی تا مین آن با توجه بیشتری دست یافت.

گرچه سرمایه یک رابطه اجتماعی معین نظام سرمایه داری است، ولی خود این رابطه در درجه نخست اهمیت، در این ساز تولیدی و تیوری باید که کارزند و در ارتباط با آن استثمار میشود. شاید توضیح زیر منظر خواننده و متصک و زائد جلوه کند، ولی از آن جا که در زیر این همین موضوع با انحصار آفرینی های بسیار اساسی و پیروخواهم نسد ضروری است که بگوئیم هر ابزار تولیدی که بنایه تولید سرمایه داری، صرف نظر از اینکه ساخته شده در داخل خود کشور عقب مانده بود، و یا از یک کشور امپریالیستی و سوسیالیستی وارد شده باشد، و صرف نظر از اینکه یک یا سنگین باشد (!)، عاملی است که استثمار کار را در این پروسه تولید مربوط بخود یالت میشود؟! آری. برای هراشنائی با ما فهمیم اقتصاد مارکسیستی این موضوعی است بدین معنی، ولی بیستم مدعی نماینده کسی "سوسیالیسم و اقتصاد سوسیالیسم" در جامعه ما چگونه بد آن منکرند. برنامه "حزب" پس از ذکر همکاری بر زمین شاه با امپریالیسم "در چارچوب سلط" بقیه در صغه ۱۳

هر چه گسترده تر باد اقتصاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی

روزنامه

بته از صفحه ۱

اقدام میکنند، نهفته است. اما، طبق کارگر مکتب، اگر مبارزاتی بصورت خود بخودی رهشود، همیشه ننگه ننگه، تفرق و گسسته بماند این مبارزاتی که میکنند، و از هم دور و در صاف با هم دوری شکست میخورند. امروز ضرورت همبستگی طبقه کارگر که در تشکیلات کارگری متجلی میشود، امری بدیهی است. لیکن طبقه کارگر اروپایی پسک مبارزه فرار و تشویب از مبارزات فردی میابد - فی بحرصه کارزار طبقاتی وارد شده است. بدین جهت و وحدت یافت تشکیلاتهای خود را پایه ریزی نمود. و مارکسیسم جمعیتداری شخص را در راستای پیشبرد امر مبارزه - طبقاتی کارگران در مقابل بنیاد ستگاه جیسر اقتصاد فردی و دولت پیروانی به پروتاریسای جهانی عرضه نمود.

قبلا گفتیم که پیروان از طریق سلب مالکیت از تولید کنندگان مستقیم، آنها را به فروش نیروی کار خود در بازار در یافت مزدی که برابر با حد اقل معیشت زندگی کارگران برای تولید و باز تولید خود و خانواده شان لازم است وارد می نمایند، و از این طریق آنها را به تکلیف در برابر سرمایه فریاد خوانند. گرایش عمومی پیروان از جهت فشار بر سطح دستمزدها این منظور افزایش نرخ سود استوار است. اما در همین حال، ارزش نیروی کار به حد اقل معیشت زندگی و خود نیز برای ایشنا نبود و در ارتباط با مبارزه طبقاتی است. مبارزه کارگران حول جنگجویی فروش نیروی کار اولین، مداومترین و ملموسترین مبارزه پروتاریسای جامعه سرمایه داری محسوب میشود که نطفه های مبارزه طبقاتی را در خود بارور می سازد. در حقیقت "مقاومت کارگران از وضع زندگی آنها سرچشمه میگردد". یعنی از فروش نیروی کار در برابر سرمایه خرید و فروش نیروی کار، بقول انگلس: "سرمایه داران همواره مشکل هستند و در اکثر موارد احتیاج به هیچ اتحادیه رسمی و هیچ نظامنامه و سرودنداری ندارند. . . برعکس کارگران از همان آغاز کاره بد و تشکیلات میروند. . . نمیتوانند کاری از پیش ببرند" (اتحادیه های کارگری). سند پکا و اتحادیه های کارگری آن تشکیلات بود های کارگران هستند که مقاومت آنان را در برابر دستگاه حیرت آفرین پیروان از شکل سازمان یافته میکنند.

با کشید و شد نتواند معانی عظیمی از کارگران بهارزات سازمان یافته که در غالب اتحادیه ها انجام می یابد، مقاومت کارگران متشکل تسرو ضمیمه نشده و در جهت پیشبرد اهداف صنفی - اقتصادی طبقه کارگر از قبیل افزایش دستمزدها و تقابل سلطنت کار، بهبود

شرایط کار و غیره از نیرو موثرتری برخوردار میشود. تشکیلات بود های کارگران از گونه سند پکا و اتحادیه های انگری مقاومت کارگران در برابر سیستم سرمایه داری است. تشکیلاتی است که کارگران در مقابل مبارزه مستقیم پیروان از طریق دستگاه حیرت آفرین بر پا می دارند. اما، اتحادیه های کارگری اگر چه برای شرایط بهتر فروش نیروی کار همواره چانه زد مانند و توانستند در شرایط متعارف در مقابل گرایش عمومی پیروان از طریق در تقابل سطح دستمزدها مقاومت کنند و. شرایط کار را بهبود بخشند، لیکن آنها قادر نیستند که خود دستگاه حیرت آفرین پیروان از طریق امور دستمزدها را در برابر مز و اثر مبارزه اتحادیه ها را طعمه نمینند بلکه برعکس باین وسیله اعتبار کسب میکنند. البته این سخن بمعنای نفی ضرورت تشکیلات بود های کارگران از نوع اتحادیه ها نیست. این نوع تشکیلات ابزار ضروری طبقه کارگر در مقابل فشار سرمایه بر سطح زندگی کارگران در محدوده های معینی از کارائی لازم میسر می شود. مبارزات برانگیز کارگران بر سیستماتیزه کرده، مبارزات و تفصیلات را از قدرت و وسعت بیشتری برخوردار می نمایند، کارگران عقب مانده را به مبارزه فرا خوانند، و تشکیلات سازمان یافته میگرداند و زمینه های تدار کاتی لازم را برای ارتقاء مبارزات اقتصادی به سیاسی میسازد. در همین حال مبارزات اتحادیه های جامعه طبقاتی مبتنی بر تولید سرمایه داری سر میزند. از این رو اتحادیه ها به هیئتوان شهادت جامعه سرمایه داری یا قوانین آن گره خورد مانند، زود آید انگر تفاوت طبقه سرمایه با کار اند، بی آنکه وسیله ای در جهت حل این تضاد باشند. عبارت دیگر، اتحادیه ها جزئی ذاتی و مکمل نظام سرمایه داری هستند که هر چند وسیله ای ضروری در خدمت مبارزات طبقه کارگر میباشند، اما بدلیل محدودیت های ساختی نمیتوانند امر رهائی کار از بند سرمایه را به پیش برند.

بنابر این از نقطه نظر مارکسیسم - لنینیسم اگر چه مبارزات اقتصادی طبقه کارگر از طریق اتحادیه ها امری لازم بحساب می آید، اما این نوع مبارزه، یک نوع ناهنجار و نطفه ای از مبارزه طبقاتی محسوب میشود که نمیتواند به آگاهی طبقاتی نیا نجامد. مبارزات اتحادیه های فقط یک جنبه از مبارزه طبقاتی را شامل میشود و از این لحاظ توان و قدرتش محدود است. آنچه که بعین محدودیت پیمان می بخشد، مبارزات سیاسی پروتاریسایست که در مراحل آغاز شده خود از طریق حزب سیاسی طبقه کارگر به پیش برود، میشود. حزب آن نهادی است که محدودیت های ساختی اتحادیه ها را از ایشود و به جهت ساخت سیاسی - ایدئولوژیکش، نه تنها در نظام سرمایه داری بصورت نهاد جامعه دینی آید بلکه مبارزات پروتاریسای سازمان یافته و هدفمند در راستای نابودی سرمایه داری قرار می دهد.

مبارزه اتحادیه های اگر چه در تعداد کم فشار دستگاه اقتصادی بر سطح زندگی کارگران موثر می باشد، لیکن "در راه آزادی، عناصر ضروری در بر بردارد، جامعه را بطرز اساسی نمیتواند دستخوش تغییرات کند و کارگران را از آنچه که موجود است بسوی فرد ای متحول و رهنمون نشود. از این لحاظ مبارزات اقتصادی ضرورت غیر میباشند. برعکس، مبارزات سیاسی جنبش خود بخودی، محدود و مضبوط و درون نگر طبقه کارگر را در هم شکسته و آنرا همواره جانیه رشد و ارتقاء می دهد. در مبارزات سیاسی، طبقه کارگر از محدود و تنگ ضائق صنفی کارخانه که وی را محصور و مقید کرده است، فراتر رفته و بکلی جامعه را از محدودیت های قرار می دهد. لنین در باره وسعت و نفوذ مبارزات سیاسی میگوید: "آگاهی طبقه کارگر نمیتواند آگاهی براساسی سیاسی باشد مگر آنکه کارگران به آگاهی میروند که در برابر همه و هرگز نشودند خود را کماکی، مسموم، زود سو استفاده، صرف نظر از اینکه چه طبقه ای بر بانی آن باشد عکس العمل نشان دهند. . . آگاهی طبقه کارگر نمیتواند آگاهی براساسی طبقاتی باشد مگر آنکه کارگران بر اساس حقایق سیاسی مشخص و موضوعی به آگاهی میروند که هر طبقه دیگر اجتناب ناپذیر است. اشکال زندگی معنوی، اخلاقی و سیاسی آن - مورد مشاهده قرار دهند. کسی که نوجوه مشاهده و آگاهی طبقه کارگر را تنها با بطور عمد، بخود می بخشد سازد، سوسیال دمکرات نیست، زیرا اخذ شناسی طبقه کارگر به نحوی ناکافی فقط نه بدین درک تئوریک میروند. . . بلکه همچنین بدین درک عملی منافصات موجود مابین همه طبقات جامعه نهمین مربوط است (چه باید کرد؟). مبارزات اقتصادی و اتحادیه ها همبستران محمل این مبارزات فائق آن کارائی هستند که طبقه کارگر را به درک عملی منافصات موجود مابین همه طبقات جامعه رهنمون شوند، و از این لحاظ شناخت کارگران را فقط معطوف بخود میگردانند.

حال آنکه مبارزات سیاسی و تد اوم با برنامه دهد نمند این مبارزات از طریق حزب طبقه کارگر، کارگران از درون تئوری منافصات تشکیلاتی خارج میکنند. کارگر در کارخانه وظایف هر کارگری را در وی روند عمومی کار و تولید را در خیال نمیکند و نقطه تحركسی نیست که آفریننده و خطی باشد. سنجاقسی است فرو رفته در مکانی معین. . . از نظر مادی و بحری و غیره، فای است که از طرف اراده های غیر اراده، خود وی اداره میشود. . . حزب کمونیست وسیله و شکل تاریخی یک روند آزاد بخش دینی است که در ضمن آن کارگر از صورت محوری به سبک، از تود به رئیس و همسر و از بازی به مغز و اراده بدل میشود" (کرامتی - حزب کمونیست).

تشکیلات بود های کارگری از نوع سند پکا و اتحادیه ها علاوه بر حزب کمونیست، آن دو ابزار اساسی است که مبارزات اقتصادی و سیاسی پروتاریسای را در پی می برد. بقیه از صفحه ۱۲

روز

بقیه از صفحه ۱۱

جامعه سرمایه داری هدایت میکند. اگر بخواهیم از طریق دستگاه جسم اقتصادی و دولت اقتصاد کار توسط سرمایه داری را بر طرفین مبارزه، پروتاریای آگاه در مقابل با این سرمایه داری، به تشکیلات اتحادیه‌های و حزب متصل بشود. دستگاه جسم اقتصادی و پروتاریای بگونه‌ایست که در شرایط رکود سیاسی بطور خود بخودی کارگران را به تبعیت از مناسبات سرمایه داری وادار میسازد و دولت، آن ارگان تکمیلی است که حفظ و هدایت از این مناسبات را بر عهده دارد. اما در مورد تشکیلات پروتاریا، جمع بگونه‌ای دیگر است. تشکیلات اتحادیه‌های اگر چه ظاهراً در مقابل دستگاه اقتصادی و پروتاریای سرمایه داری است، لیکن بنا به ماهیت عملکردی آن، عامل تعیین کننده در رخس نمودن و پیشروی گرفتن از عملکرد دستگاه اقتصادی نیست. آنچه که می‌تواند پروتاریا را با این طبقه در مقابل پروتاریای قرار دهد و عامل تعیین کننده در مبارزاتش حساب آید، حزب و مبارزات سیاسی است. تنها از طریق مبارزات سیاسی و تدوین هدفمند آن از طریق حزب کمونیست است که پروتاریا با جدود و پستی خود ستانه بخشد. و نیز روند آزاد بخشیدن روشی را پی بیاورد. این سال که تقریباً با غرض و وظائف پروتاریای و پروتاریا در انقلابات احتمالی نیز منطبق است. پروتاریای ایند اردل مناسبات فئودالی و مناسبات سرمایه داری را از سر نو و گسترش داد و در مرحله‌ای از این روند، دولت پروتاریای را بنیاد نهاد. اما پروتاریا در انقلاب احتمالی، ایند باید قدرت سیاسی را کسب کند، دولت کارگری را پایه ریزی نموده و توسط آن آغاز به ایجاد مناسبات سرمایه داری نماید.

بهر حال، وحدت، تشکیلات، لزوم تلفیق مبارزات اقتصادی و سیاسی و درک نقش تعیین کننده مبارزات سیاسی پروتاریا در جنبی گرفتن ارتقا تشکیلاتی پروتاریای، اینست آن دستاورد مبارزاتی پروتاریای جهانی.

اگر جنبش کارگری در کشورهای اولیه سرمایه داری احتیاج به متجاوز از ۲ قرن مبارزه بیکمیر بر علیه نظام سرمایه داری داشت تا به انداختن خود تکیه زند. اگر برای کارگران اروپا یک دوره طولانی از مبارزه با ویژگی‌ها و اشکال گوناگون لازم بود تا تجربه در بیابند که تنها طبقه کارگر بحدک سازمان خود می‌تواند در مقابل سرمایه داران - ایستادگی کند و سلاح پروتاریا در این مبارزه تنها می‌تواند سازمان متحد کننده و تشکیلات سرمایه داری باشد، اما امروز برای طبقه کارگر ایران وضع بگونه دیگری است. چرا چنین است؟ زیرا امروز طبقه کارگر ایران نه تنها بزرگ دستاورد و نتایج ارزشمندی که از مبارزات خود بویژه در سال ۵۶ تا قیام پسین ما بران است

مبارزاتش در سال ۵۸ تا به امروز کسب کرده تکیه دارد. بلکه در مبارزاتش نیز بر جنبه‌های انقلابی تجربیات و انداختن های مبارزات - طبقه کارگر در سایر کشورهای آنگاه داشته و باید پیش از این داشته باشد. دستاورد های مبارزاتی پروتاریای جهانی راستای عمومی حرکت پروتاریا را روشن نموده است. حال، پیشاهنگ و پیشرو کارگری بر زمینه این جمع بندی عمومی و با انطباق خلاق آن بر شرایط خاص ایران باید مبارزات موجود کارگری را در راستای مشخص سیاستهای عمومی پروتاریای ایران ارتقا دهند.

از نقطه نظر سازمان ما، سیاست عمومی پروتاریا بر زمینه بحران انقلابی که هنوز تدوین دارد، سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی از طریق برپائی اقتصاد عمومی سیاسی و تمام سلطانه بوده ای و برقراری جمهوری دیموکراتیک خلق میباشد. تا تشکیلاتی متفاوتی که پروتاریا در هر کارخانه بکار می‌گیرد اگر در راستای سیاست عمومی پروتاریا قرار نگردد، از امانت رخصت و ده های صغری باقی مانده و کارگر از فقط بخود مشغول می‌گردد. اشقیاء نشود، در اینجا بحث بر سر تکیه بر نیروی هر اعتراض و مبارزه ای به یک قیام و انقلاب نیست، بلکه بر سر راستای ارتقا اعتراضات و مبارزات موجود است و آموزش بر بد زود معانی وسیع کارگری از هر عمل مبارزاتی مشخص (هر چند جزئی) در راستای کسب آگاهی و مبارزه طبقه‌تسی.

شرایط اختلافی موجود در جامعه و سرکوب کوچکترین اعتراضی که در همین حال در بطن کفکاشی انقلاب ضد انقلاب قرار دارد. عدم وجود تشکیلات توده ای کارگری در سطح وسیع - حتی از نوع اتحادیه های زود - و نبود تشکیلات سیاسی واحد پروتاریا (حزب کمونیست) و غیره، از شرایط خود ویژه ایست که اقدامات ویژه ای را از سوی پروتاریای آگاه طلب میکند. جمع بندی حاصل از مبارزات پروتاریای جهانی ضرورت دو نوع تشکیلات کارگری را در پیش برد امر مبارزه طبقه‌تسی پروتاریا نشان داد. در اینجا اقدامات - شخصی که در هر عمل مبارزاتی پروتاریا صورت می پذیرد، باید در راستای ایجاد این دو نوع تشکیلات پروتاریای - منطبق با شرایط ویژه ایران - قرار گیرد. یعنی ایجاد تشکیلات اتحادیه توده ای کارگران و حزب کمونیست.

کمیته های مخفی انتخاب که از مبارزترین کارگران پیشرو تشکیل می‌دهد، نطفه های تشکیلات اتحادیه توده ای کارگران میباشند. اما خصلت این کمیته ها و تشکیلات توده ای - نسبت از آنها دقیقاً منطبق بر خصلت تشکیلات کارگری از نوع اتحادیه ها که عمدتاً در مبارزه اقتصادی عادی به پیش می‌روند، نمیباشد. در شرایطی که موجود حتی هرگونه تشکیلات مخفی مستقل کارگران یک جرم سیاسی محسوب می‌شود، در شرایطی که هر حرکت و مبارزه اقتصادی کارگران حتی در زمینه ابتدائی ترین خواستهای منتهی برای رژیم جمهوری اسلامی

یک خطر سیاسی بحساب می آید. در شرایطی که رژیم خود مستقیماً در مقابل اعتراضات و انتصارات اقتصادی کارگران قرار گرفته و بان جنبه سیاسی می‌دهد. در چنین شرایطی هر مبارزه اقتصادی (هر چند در ظاهر کم اهمیت) به نوبی در زمره مبارزات سیاسی طبقه کارگر قرار دارد و راست و سوسیالیستی می‌باشد. بنابراین خصلت و وظائف این کمیته های سیاسی فراتر از ستاد و اتحادیه ها می‌باشد است که صرفاً در مبارزات عمومی موجود پروتاریای بد فاع از منافع اقتصادی طبقه کارگر بیادارت می‌روند. خصلت مخفی بودن کمیته ها، خود دلیل بر غیر قانونی بودن آنها

در خارج جوب قوانین واقعی موجود جمهوری اسلامی است و از این لحاظ کمیته ها نه تنها ارگان واقعی طبقه کارگر (همچون اتحادیه ها) بلکه یک ارگان تهاجمی است. این کمیته ها اگر چه در شرح محدود و صغری میباشند، اما با توجه به چشم انداز ازاوج بایدند مبارزات توده ای را اینگونه در بحران انقلابی و مبارزات و خواستهای تکیه روند تدریجی محدودی بلکه می‌توانند تحت شرایطی حالت انفجاری داشته باشند، در تدوین خود به تشکیلات اقتدار توده ای از قبیل شوراهای کمیته های انقلابی کارخانه مشغول می‌شوند. امر بیروزی بر سر پروتاریای به شرکت انتشار وسیعی از توده ها سی کارگر نیاز دارد. از این رو هر کارخانه باید به تزی برای انقلاب تبدیل شود. کمیته های مخفی انتخاب که در روند حرکت خود به تشکیلات اتحادیه توده ای مشغول می‌شوند، ارگانهای هستند که تدریج تمامی و سیاسی اکثریت توده های کارگر را در نظر از محققات سیاسی و ذهنی و وابستگی سازمانی در سر میگردانند و از طریق پیوند کمیته های کارخانه ها در جهت وحدت طبقه کارگر به پیش می‌روند.

بنابراین یکی از وظائف اساسی پیشروان کارگری در شرایط کنونی ایجاد کمیته های مخفی انتخاب است. باید توجه داشت که این کمیته ها را میتوان به صورت مصنوعی ایجاد نمود. کمیته های مخفی انتخاب از دل مبارزات - موجود طبقه کارگر می‌تواند بدید آید و وجود به امری در جهت بسط و ارتقا این من مبارزات در راستای سیاستهای عمومی پروتاریا عمل نماید. بنابراین پیشرو کارگری باید درک صحیحی از چگونگی سرکوب پروتاریا و اشکال مبارزاتی طبقه کارگر در شرایط کنونی داشته و در کلیه مبارزات کارگران هر چند جزئی، شرکت فعال کرده و تا تشکیلاتی مناسب مبارزاتی را اتخاذ کند. مبارز بیرونی مبارزات کارگران بی حشمتان، تا تشکیلاتی مشخصی را در جهت ارتقا این مبارزات پیش نهاد کردیم در اینجا وظائف پیشاهنگ و پیشروان کارگری را - ارتقا خواستها ۲ - نگاه و ارتقا اشکال مبارزات و ۳ - با شناسایی اشکال سازماندهی انقلابی، مورد بررسی قرار داده و در مورد هر یک از آنها، پله های صعود را در راستای انتخاب عمومی سیاسی و تمام سلطانه توده ای مطرح کردیم. کمیته های مخفی انتخاب از دل این مبارزات - بدید آید و در جهت ارتقا آنها حرکت کرده و در زیر و سه بقیه در صفحه ۱۲



مناسبات سرمایه داری -
 ادامه میدهد: دولت در مقابل خواست مردم و آزادی اتحاد جماهیر شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای کمک یا چسبیدن به متکین در ایران بدون هیچگونه شرط و قيد سیاسی، ناپایدار و محقق نمیشود و -

اولین پایه های صنایع متکین ایران بدست اتحاد شوروی در ایران موجود آمد. ایجاد کارخانه ذوب آهن، ماشین سازی و تراکتور سازی به روش خرابکارانه امپریالیسم در این زمینه ضرورت سنگینی وارد ساخته و آرزوی -

دومین پایه مردم ایران را در مورد داشتن صنایع ذوب آهن ملی بر آورده کرده است (برنامه، ۱۱ - تالیف مام - فعلا از این موضوع در - میگذریم که چگونه گرمای عشق سوسیالیسم قادر است در یک کشور تک محصولی مبتنی بر نفت، جنگلی، تاسیسات صنایع سنگین نفت در خوشستان را در برابر دیگران کارشناسان امپریالیستی قرار دهد و کثرت زمین را برای

اولین شدن کارخانه ذوب آهن ملی فراهم سازد، و فعلا به این تئوری ایستاد انحرافش در پاره امپریالیسم که جلیوتیری از مسدود و کالاهای سرمایه ای در دوره ای معین (حدوداً تا دهه ۱۹۵۰) را بعنوان مطلق در آرزوی وادی آن معرفی میکند نپذیرد. اما حزب توده موظف است بدین سوال پاسخ گوید که آیا در پیوسته تولید کارخانه ذوب آهن ملی و دیگر کارخانجات ساخت کشورهای سوسیالیستی که در مالکیت دولت شاه قرار داشت استثمار کارکنان و انباشت سرمایه صورت میگرفته است یا خیر و اگر صورت میگرفته

چرا باید موجودیت این نوع سرمایه با ابزار تولید از جانب "حزب توده" کارگران ایران - بعنوان خواست مردم و بعنوان یکی از محورهای مبارزه طبقاتی مابین مردم از یکسو و دولت شاه از سوی دیگر معرفی شود، محور مبارزاتی که به بیان "حزب" متاثر از کشاکش و وارد نگاه سوسیالیسم و امپریالیسم سرانجام شاه را - واداشت که تحت تاثیر مبارزات استقلال طلبانه توده های مردم ایران در پیشاپیش آنها حزب توده ایران، پس از سالها مقاومت

هنودانه (۰۰۰) در راه مادی کردن روابط سیاسی، بسط مناسبات اقتصادی و همکاری های فنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی گامهایی بردارد (برنامه، ۱۵ - تالیف مام) درست است که در سال تدوین "برنامه" سالهای درازی پیش از آن حزب توده معتقد و پاره جرت بود و در - جامعه حاضرینند است ولی ایامی توان - پذیرفت که آنقدر در سرزمینهای اردوگشاه سوسیالیسم در پی خبری سرسبز و کسسه نهاد آینه هیچگونه مبارزه ای از جانب

توده های مردم ایران به رهبری آن حزب برای واردات ماشین آلات سنگین ساخت کشورهای سوسیالیستی صورت نپذیرفتند با وجود حد و حدی که قرن و نیم تجربه بسیاری جنبش کمونیسم بین المللی با این زمینده یک "حزب طراز زمین طبقه کارگر" است که به منظور تشویق دولت شاه در افزایش واردات از

اردو نگاه سوسیالیسم و با تقویت این رژیم ارتجاعی و سرکوبگر در راه مقابله با امپریالیسم (!) برای توده های زمین مبارزات طبقاتی مصنوعی به فریبند و سرانجام در سال ۱۳۵۴ بدین تحلیل دست یابید که "بسط و تحکیم مناسبات با کشورهای سوسیالیستی و پیوسته با همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی (توسط کدام رژیم؟) از لحاظ پیشرفت مناسبات و ترقی اقتصادی و اجتماعی و تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی کشور در جهت ضایع ملی ما حائز اهمیت بزرگی است و در اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران تاثیرات مثبتی به همراه آورد و امکانات مقابله با امپریالیسم را بیشتر میسازد

و همین جهت مورد پشتیبانی مردم و نیروهای شرقی و مقدم بر همه حزب مفاخر گرفته است (برنامه، ۱۱۶ - تالیف مام) بر اساس راه - چلهائی از این قبیل به منظور ترقی و استحکام تامین استقلال سیاسی و پیشرفت شرقی - اقتصادی و سیاسی، و با توجه به اصول مارکسیسم - لنینیسم مربوط و متخمس بر

تجارب جنبشهای بزرگوار - و مگر آنکه و پارهائی بخش است. دلالات حزب توده در این باب راهی چه طریقی جز این میخواند تعبیر و تفسیر نماید کرده که در جامعه ایران تحت رهبری دولت شاه، این مردم و حتی بخش مهمی از نیروهای ایران که با تولید داخلی سر و کار دارند (برنامه، ۱۵) بودند که تحت رهبری "حزب" ملی مبارزات خود به

دستگاه فشرقی آورده تا سهم واردات از کشورهای سوسیالیستی را در امانت بگذارد و از این راه اهمیت نسبی صنایع ملی را افزایش دهد، و این دولت شاه بود که بهر حال بصورتی به این فشارهای مبارزاتی تن در میداد و میخوانست از این طریق "مسود

پشتیبانی مردم و نیروهای شرقی و مقدم بر همه حزب" قرار گیرد، و اگر در این راستا طبقه کارگر هم در رابطه با انواع ابزار تولید ساخت کشورهای امپریالیستی و سوسیالیستی صورت استثمار قرار میگرفت ایرانیند داشت زیرا که اغلب بد

بافرض برخورد آری از جنبش استقلال طلبانه امید دست یافتن به نیروهای مولد یک طبقه کارگر داشتند باید، موقتا به تحمل چنین استثنای تن در داد و جنبش شرایط را با عدالت و وضعیت فرضی بحساب آورد که به روزی - و دولت آن یک جنبش بجزوا - و مگر آنکه را پیوسته فعلا - بخشیده و زمینه های اقتصادی سیاسی لازم را جهت دگرگونی های انقلابی آینده فراهم میسازند! اگر حزب توده در دهه ۵۰ و ۶۰ و بویژه ۵۰ به اعتبار جناحها

سوی در اندیش رژیم، دولت شاه را با تقویت برخورد از این جنبش خصلتی میداشت که اکنون باید جزو یکی از محضلات فراوانی باشد، و اگر جنبش خصلتی را در این رژیم نمیدید چرا فزونی امکانات مقابله با امپریالیسم و فائق شدن بر وابستگی جامعه، تحت سیطره - چنان حاکمیتی را تشویق و حمایت میکرد و بر استثمار کارگران و مستکین توده های زحمتکش چشم می پوشید؟ شاید نظریات حزب توده در پاره "بخش دولتی اقتصاد" بتواند امر از سنگینی بار این پرسشهای بی پاسخ برهاند و به الاقل برای خواننده این

ریشه های طبقاتی

بقیه در صفحه ۱۰

مقاله فاش سازد که طبقه زمین الکتروم و انحراف افروزی هائی از گیم آب سفید، و جنبش کمونیسم مبتدی، که هفتی خرمست اصول شد اول نظریات کمونیسم مبتنی بر مطلق کردن رشد نیروهای مولد (صنعت نیروی کار) را زیر پا گذاشته و اثر اینه حسا کمونیسم این را که از آنهم نوع بخصوصی از ابزار ماشین آلات) تنزل داده است ریشه درک آمین خصلت و ضایع طبقاتی دارد؟

نظریات حزب توده در پاره ماهیت و یافت اقتصاد کشور پس از حاکمیت با تقویت جمهوری اسلامی که البته در مقطع انقلابی مواضع بلنوم، از نظر "حزب" "عناص مردمی بران تسلط داشت، میتواند یک گام مارا به هدف نزد بگر کند. "حزب" در تعیین سمت گیری رشد اقتصادی و اجتماعی کشور بعنوان بهترین مسئله میسازد: "راه رشد فیسر سرمایه داری، متضمن محدود کردن عرصه های فعالیت سرمایه داری بخش خصوصی، محدود کردن میزان مالکیت و محدود کردن میزان سود برداری از کسب و کسبش همه جانبه و فراگیر بخشهای دولتی و تعاونی

اقتصاد در همه زمینه های تولید صنعتی تولید کرده کالای صنعتی و کشاورزی و توزیع محصولات مصرفی، از سوی دیگر است (بلنوم، ۱۲ - تالیف مام) سازمان بیسی زبانی چه چه میسازد میخواهند به با بگویند، سود در هروزه ای تحقق می یابد که مالکیت بخش خصوصی حکم فرماست و لذت این سرمایه است که در آن حوزه عمل کرده و نیروی کار را بعنوان یک کالا با استثمار در پی آورد، اما از سوی دیگر جنبشهای دولتی و تعاونی بحوزه اقتصاد مربوط میشوند و -

رابطه سرمایه و مناسبات سرمایه داری را در نظر و مالکیت دولتی و تعاونی راهی نیست! البته "حزب" را از روشی خصلت طبقاتی خود را با زبانی بسیار روشنتر از این نیز بیان میدارد و در زمان (۱۳۶۰) حاله مقدس فیسر سرمایه داری و ضد سرمایه داری بودن را بدو شمول بخش دولتی و یک آن یعنی مالکیت تعاونی میسازد که به روزی تجاری شد سنتی ایران به یاد دومی ریزه خواران خود و بجز برای خود صورت از آج نتوانستیم منابع آرزوی کشور و نیز انداخته ها را عایدات توده های مردم بود، و این اظهار ریک جامعه تک محصولی فنی نمیتوانست میسر باشد مگر بهاری و دولتی که انحصار کنترل آرز و لذت او را در دست و بخش عظیمی از کنترل کردن کار را در اختیار داشت. تحت چنین شرایطی بود که حزب اعلام داشت: شکوفائی اقتصاد کشور و تعیین عدالت اجتماعی تنها از راه رشد بدون وقفه بخشهای دولتی و تعاونی در اقتصاد و محدود کردن بخش

بقیه در صفحه ۱۱

ریشه های طبقاتی

بقیه از صفحه ۱۳

خصوصی فعالیت در رشته های ککی با سرمایه گذاری متوسط و کوچک تحت کنترل همه جانبه دولت امکانپذیر است. این کنترل دولتی باید شامل حد و تراکم و نگرش سرمایه و میزان سود برداری از این سرمایه گذاری باشد. هرگونه راه حل دیگر که انباشت سرمایه و میزان سود برداری را محدود نکند راه را برای بازگشت تسلط نظام غارتگر سرمایه داری هموار خواهد کرد.

۱۳۴۰ - تاکید ما - همچنین ۱۳۴۱ آری نخست حزب طبقه کارگر ایران فعالیت و وظیفه تجدید و اصلاح رابطه سرمایه راکده منهن از آن طبقه کارگر آگاه، سازمان یافته و پیروزند. چشم مردم به معجزی از اقتصاد بهزداری و خرد بهزداری و دولت آن حاکم - بخشی میزند. در همین اثنا نتیجه میگیرد که در سال ۱۳۶۰ به برکت دولتی شدن سرمایه نظام غارتگر سرمایه داری بعنوان یک نظام سلط از جامعه مارت پرسته بود و چنانچه دولت حدود انباشت سرمایه بخش خصوصی را تحت کنترل در نیاورد این نظام بار دیگر بر جامعه ماسلط خواهد شد (۱)؛ البته تمامی این تحلیل های مارکسیست - لنینیست به اعتبار همانند اصل انحراف و بیرون ریزی صورت میگیرد که مقولات سرمایه، استثمار و مناسبات سرمایه داری را نهایتاً محدود به قلمرو مالکیت خصوصی سرمایه میدانند، و سرزمین مالکیت دولتی را آن بهشت عدالت گسری بحیثیت می آورد که کارگر در پروسه های تولید آن بخلق ارزش اضافی نپردازد و این ارزش در جریان بازتولید سرمایه بسود و انباشت مجدد سرمایه نی انجمد! اگر بپذیریم که هر پدیده ای میتواند رویت کامل و متلاذم گردد چرا مواضع سوسیال رفرمیستی و بیرون ریزی خود انقلابی نیستند و اگر میشد در زمانی نه چندان دور در یک تئوری و ارتجاع دولت شاه جملاد ادعای گرایشات اجباری بگسترش مناسبات سرمایه های سوسیالیستی، بیژنه همسایه بزرگ را محال تر از اقتصاد بولشویستی و تحلیلم استقلال سیاسی و اقتصادی در جهت منافع ملی و مقابله با امپریالیسم دانست، چرا نمیایست در عهد حاکمیت ولایت نفیسه تا من خواستهای خود را در همسایه سوسیالیستی زحمتکشانشهر و ستاد را در گسرو تقویت و رشد مالکیت دولت جناح مردمی این حاکمیت قرار داد. اگر لیتراژی بدین واقعیت نباشد که هر طبقه و قشری عدالت اجتماعی را بشاید ماهیت و موقعیت طبقاتی خودش در پروسه تولید و توزیع اجتماعی، نیازمند رها چوب منافع طبقاتی خود میبندد آنگاه است که در پی با هم چو ابر و لقا ریسی آگاه و سازمان یافته، عدالت اجتماعی را در قشرهای سیاسی خودش، در نابودی رابطه

سرمایه ولد انابودی و استثمار ناشی از آن - می بیند، و حزب توده هم تحقق این مفهوم را در قشرهای سیاسی مجبوره ای از اقتصاد بهزداری و خرد بهزداری و اعلام نابودی سرمایه و استثمار و محدود و اقتصادیات دولت چنین اقتاری.

انادریک جامعه منکی بر ارزشهای نفسی، بیژنه در زمانی که پروسه های تولید و ضررها سی مولد جامعه هر زمان بیشتر از تجسس و ارتجاع ذاتی و تاریخی حاکمیت جمهوری - اسلامی و جنگ ارتجعی ضرر میبندد، که اینک از جبهه مالکیت دولتی از نظر حزب میتوانست در درجه اول اهمیت قرار گیرد؟ پدیده ای است که در میان وجهی که از اجرای آن تبدیل به ارزشهای منفی بگالاهای وارد آنی صورت میگیرد و از طرفی خود نیز بعنوان عامل تعیین کننده در تجارت و جریان گردش کالای داخلی اشرف میگذارد، یعنی تجارت خارجی. لذا ما میبینیم که در حیطه مشارکت مکمل طبقات حاکمیت یافته و در ولتشان و غارت آخرین زواری جنبه های مردم و حزب توده اسلام میدارد که: تجارت خارجی یکی از عمده ترین مچراه های تسلط سرمایه های انحصاری امپریالیستی بر اقتصاد کشور، یکی از مچراه های نامی غارت مشترک غارتگران خارجی و داخلی و فرار بدون مانع عمده ترین بخش از تروت های ملی و حصول رنج زحمتکشانش کشور است. درست بر پایه همین شناخت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی مسئله ملی کردن تجارت خارجی بعنوان یکی از اصول مهم اقتصادی در نظر گرفته شده است. اجرای تام و تمام و بدون عده این اصل قانون اساسی جمهوری اسلامی از بهترین خواستهای سی مردم ایران در راه تامین استقلال اقتصادی است (۱۳۶۰ - تا کید ما) حزب توده در اهمیت بخشیدن به تجارت خارجی بعنوان یک محمل بالقوه در دست غارتگران خارجی کاملاً محق است، ولی با آن سابقه ای که از بی در زبینه صد و امره های تعیین کننده خواست مردم در دوران رژیم شاه دیدیم، آیا شرط عقل نیست که به این بخشنامه جدید مریخ فروردین ۶۰ جنبی بر اعلام خواستهای جدید مردم ایران اندکی با دیده شک بنگریم. سرانجام روزی طبقه کارگر آگاه ایران و دیگر توده های زحمتکش، که تاکنون مورد استثمار، غارت و ستم انواع سرمایه های منجستی، تجاری، ربائی در اشکال مختلف خصوصی و دولتی آن قرار داشته اند، گریبان حزب طراز نوین خود را خواهند گرفت که بر آستی کرد مالکیت بخش دولتی چه جادوشی نهفته است که میتواند در یک چشم بر هم زدن در ناموسی بیکره های مختلف دوسر سرمایه، روح عدالت اجتماعی بدیده و بر آستی این مردم - گمانند که در هر مرحله از تکامل اجتماعی و در عهد حکومت هر رژیسی تمامی خواستشان به مالکیت دولتی و اقتصادیات خاص آن محدود میشود!

فرض کنیم که مردم ایران در راستای

این مبارزه بینتباری که در میان حزب تود فارز و آن شاه همواره ما بین مردم بعنوان حامین گرایند و ولتی کردن سرمایه در آن بزرگ بمنابله حامیان خصوصی کردن وجود داشته است (برنامه ۱۳۴۱)؛ سرانجام به اهدای خود دست میبندد و مثلاً بر و کر آستی ما شین دولتی جمهوری اسلامی و قسمت لفظک سرمایه ها و مهمترین آنست یعنی ارزشهای منفی را در اختیار و مالکیت خود بگیرند، آیا آنگاه راه حل حزب تود در بهره گرفتن از این منابع ارزی بمنظور تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی و مقابله با امپریالیسم - چیزی جز فرود آمدن همان گره معروف را بظاهر خواهد آورد؟ کشور ما این امکان بزرگ را در اختیار دارد که حتی با صادرات محدود نفت و گاز بتواند به موازات تامین ضروریات روزمره زندگی مردم سرمایه های لازم برای ایجاد صنایع سنگین در اختیار داشته باشد و با بهره گیری از همه امکانات سلف و متناسب برای انقلاب ایران در صحنه جهانی و بیژنه امکانات سیاسی که کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای مستقل از تسلط امپریالیسم میتوانند در اختیار انقلاب ایران بگذارند، بنای این استقلال اقتصادی اساسی اقتصاد ایران را بنا کنند (۱۳۶۰ - تا کید ما). شاید تاکنون نتوانسته باشیم کام نخسین و اساسی را در شناخت موازین تئوریت و راستای سلسله منافع طبقاتی توده برداریم، اما برای شناخت کافی از این آگاه طبقاتی این حزب و در پیسی آشنائی با نگرش آن نسبت به بنیادی ترین مقولات سوسیالیسم علمی که به اصول بنسوار گسی دولتی کردن میرسد، هنوز باید از نظریات حزب پیرامون مسائل ساختاری مربوط به دوران گذار سوسیالیسم یاری گرفت.

ادامه دارد

شبهه قرضن . . . بقیه از صفحه ۳

از تیران میبسی بر وارد کارخانه میشود و سعی میشود قلمه را با آستی و سازشی نیمه دهد و بکارگران پیشنهاد میکند که بشما یک سرویس بپوشید همه شما صنایع متراکم تا ۲ هزار تومان مجانی از تعاونی خرید کنید ولی از این کارها نکشید (منظور حرکت لیتراژی کارگران است) کار شاهمه جا بیچید و این بضر جمهوری اسلامی است. کارگران در پیا سخ اسلام میکنند که نه تنها اینها را میخواهیم بلکه حقانرا هم میخواهیم و همینطور آزادی - رفقایمان که زندانی شده اند در تداوم حرکت نیز خولت انحلال انجمن اسلامی جز خواستهای کارگران میشود. باید آران و مزد بر آن رژیم که موفق بفریب کارگران مبارزه نمیشوند شبانه تعدادی از کارگران و کارمندان را در نماز شان دستگیر میکنند علیرغم این مسئله کارگران از رومیسه مبارزاتی خوبی برخوردارند و حرکت همسوز ادامه دارد.



شهر و ارتون میگردند. اما
 علیه‌اینکه شیب‌دارها و کاپاها و یگان‌های
 شهری، مثنی میشوند اما در انجام از نقش
 به‌شکرگان در امان نیستند. حرکات در بیخانه
 رژیم در دو ماه اخیر نشان داده است که این
 تهاجم رژیم نیز همچون سال‌های گذشته با
 شکست مواجه خواهد شد و رژیم پس از تلفات
 بسیار بیک عقب‌نشینی مقتضای دست
 خواهد زد و اینبار نیز کربستان بگورستانی از
 مردوران ارتجاع حاکم نید بل خواهد شد.
 نگاه کوتاه به برخی عملیات قهرمانانه
 به‌شکرگان در دو ماه اخیر صحت ادعای
 مارا ثابت می‌سپاند.

تهدیدات بیک عملیات در لاوانه به‌شکرگان
 فدائی که بیضاییت سال‌ها در سیاهل و قسام
 خلق در ۲۲ بهمن صورت گرفت ۱۵۰ مزدور
 دشمن کشته و تعداد بسیاری زخمی شدند و
 در عملیات فروردین ماه به‌شکرگان حزب
 در مکران کردستان در شهر مکران در روز
 هتوالی صورت گرفت ۲۰۰ مزدور به‌سلاکت
 رسیدند و تعدادی جاش دستگیر شدند و
 همچنین در عملیات دیگری که از سوی حزب
 در مکران در شهر مهاباد صورت گرفت
 تعدادی دیگر از این سرسپردگان کشته و
 زخمی گردیدند.

مجله کتوری است که یگان‌های
 رژیم مورد حمله رژیم‌گاران کرد قرار نگرفت.
 اعتراضات توده‌ای در شهرهای کردستان و
 تظاهرات خیابانی مردم در اعتراض به کشتار
 رژیم گوشه‌ای دیگر از مبارزات خلقی رژیم
 و هم است که مزدوران رژیم را به‌سخت
 افکنده است. در آغاز تهاجم رژیم
 هیئت‌شهرازی این‌سراگرد شاهنشاهی
 که اینک به مزدوری جمهوری اسلامی
 مقرر شده است و تعدادی بخش‌جات شاه
 در کردستان کشته است، قول خانم‌سه
 بخشیدن به جنبش خلق کرد در ارمال ۶۲
 به سران رژیم را در اجابا اشاره بکرده‌ای از
 عملیات قهرمانانه به‌شکرگان در می‌یابیم که تا
 چه حد ادعای سرکوبگران بی‌اساس و
 چون طبل میان تپس است. حال اگر
 عقابضای پرسنل انقلابی ارتش را که حاضر
 به پیاران و کشتار زحمتکشان کرد نشده و
 تعدادی از کتبا به‌وجه‌های لغو ام سپرده
 شدند و همچنین فرار تعدادی دیگر از سرایان
 انقلابی ارتش و به‌پسین آنان به به‌شکرگان را
 باین مجرمه پیروزانیم اوج زلزلای رژیم به
 نمایش می‌آید.

واقفیت اینست که مبارزه مسلحانه خلق
 کرد با رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر اینکه تا
 اکنون موجب کشته مزدوران بسیاری از رژیم
 به‌سلاکت برسد و علاوه بر مخارج سرسام‌آوری
 که رژیم تحمل کرده است باعث برانگیختگی
 سرکوبگران و بالنتیجه ضربه پذیری انسان
 نرفته است. علاوه بر تأثیرات آن بر
 توده‌های بالاضبه آگاه سرسرایان به
 شایه یک کانون فعال مبارزه و سبیل مقاومت
 و... انگار باید بر است. مناطق آزاد شده
 در کردستان به‌شابه پشت‌جبهه نیروهای

مبارزات

بقیه از صفحه ۲

انقلابی نقش ارزنده‌ای در تداوم مبارزه
 انقلابی در سراسر ایران داشته است.

اما اگر از بعد و در تأثیرات جنبش خلق
 کرد در سطح ملی فراتر رویم، باید بر تأثیرات
 آن در منطقه اشاره کنیم. بدشال سرکوب
 موقت خلق فلسطین در لبنان توسط
 اسرائیل، پیرامون مهران گفت که اینک
 فده‌ترین کانون مبارزه مسلحانه توده‌ای
 در منطقه خاور میانه، در کردستان جریان
 دارد و سیاست سرکوبگرانه اسرائیل رژیم و
 صهیونیسم در منطقه، بدست رژیم جمهوری
 اسلامی و انسران ارتش شاهنشاهی کسبه
 تربیت‌شدگان امپریالیسم صهیونیسم
 هستند و لوسن‌هایی که به مزدوری رژیم
 در آید، اند و در کتبا و سبیل و سبیل
 خمرگزیده اند تداوم یافته است.

اگر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مبارزه
 خلق کرد را بر جنبش سراسری و مثنی جنبش
 در نظر بگیریم و بر آن بی‌ثباتی اقتصادی -
 سیاسی رژیم و چشم انداز ارج‌گیری جنبش
 وسیع توده‌ای امپریالیسم در خواهم یافت
 که چرا رژیم تلاش وسیعی را در سرکوب خلق
 کرد آغاز کرده است. در همین رابطه وظیفه
 سنگینی بر دوش نیروهای انقلابی چه در
 سطح منطقه و چه در در نقاط ایران قرار
 دارد.

در کتف‌انسر آباناه ۱۱ شاخه کردستان
 فدائی شرکت کنند و ضمن پیش‌بینی سرکوب
 گسترده رژیم در سال ۶۲ برای مقابله
 همه‌جانبه با سرکوبگران خلق، خواستار
 تشکیل جبهه وسیعی از نیروهای انقلابی
 شرکت کنند و در جنبش انقلابی خلق کرد
 شدند. تا کید رفقای ما بر ضرورت این جبهه
 بر اساس تحلیل‌ها از نقش جنبش خلق کرد
 در رابطه با جنبش سراسری بود. هرچند
 این پیشنهاد عملی نشد اما ضرورت آن هم
 چنان باقی‌ماند. تشکیل این جبهه تحت
 فرماندهی مشترک قادر است نه تنها حملات
 دشمنانه رژیم را خنثی سازد، بلکه با اتخان
 یک سلسله ناگهنگی‌های نه‌جانی گسترده و
 تلفات وسیعی بر دشمن خلق وارد نماید.
 گرچه هم‌اکنون اتحاد عملیای موقت بین
 به‌شکرگان وابسته به سازمانهای انقلابی
 در کردستان جریان دارد اما بعد تا جنبه
 موقتی داشته و با سرکوبی‌های جنبش نیست.
 رفقای ما در کردستان در بیانیه خود
 خواهان تشکیل جبهه متحدی هستند که از
 تمامی نیروهای انقلابی شرکت کنند و در
 جنبش خلقی گردند و وظائف زیر را مورد
 نظر قرار دهند:

۱- همکاری و هماهنگی در زمینه دفاع از
 مناطق آزاد شده و ضروریات نظامی در مناطق
 تحت اشغال رژیم و ایجاد ستاد مشترک
 عملیاتی.

- ۲- کتبه اطلاعات برای گردآوری
 اطلاعات نظامی و امنیتی و به‌کارگیری آنها در
 عملیات.
- ۳- ایجاد کتبه‌های مثنی مقاومت در
 شهرها و روستاهای تحت اشغال رژیم.
- ۴- ایجاد کتبه‌های مشترک تبلیغاتی برای
 رساندن صدای جنبش خلق کرد به گوش مردم
 ایران و جهان (حد از تبلیغات مستقل
 سازمانها) و امکانات را در پی کتبه‌های
 در یک راه‌پویی قدرتمند متمرکز کردن.
- ۵- ایجاد کتبه‌های مشترک روابط خارجی
 برای جلب همکاری سازمانهای انقلابی در
 جهان و کشورهای انقلابی و مثنی سراسر
 جهان.
- ۶- ایجاد کتبه‌های مشترک تدارکات برای
 بسیج کتبه‌های مردم.

تشکیل جبهه مشترک از کتبه‌های
 انقلابی مثنی شرکت کنند و در جنبش خلقی
 کرد باید بر اساس بیانیه مشترکی صورت گیرد
 که مبارزات خلق کرد را در راستای پیوند به
 مبارزات کارگران و زحمتکشان سراسر ایران
 و در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری
 جمهوری دگرگشت خلق رهبری نمایند
 عملیات تبلیغی و گسترده از سوی به‌شکرگان
 قهرمان در مناطق تحت اشغال رژیم و
 گسترش عملیات بازنشانی در شهرها و مثنی
 دفاع از مناطق آزاد شده و همچنین تشکیل
 کتبه‌های مثنی مقاومت در شهرهای
 کردستان و وارد آوردن ضروریات متحد و به
 به‌شکرگان رژیم و یگان‌های پوتالی اش
 رژیم را متحمل کرده است اما باید پیوندی
 بین این مبارزات و مبارزات کارگران و
 زحمتکشان سراسر ایران بوجود آید. این
 پیوند میتواند با تشکیل کانون صورت گیرد.

از آنجا که جنبش انقلابی خلق کرد، سرش
 از جنبش قید انسرال نیست و مگر اتیک خلفهای
 ایران است ضرورت حمایت همه‌جانبه از
 مبارزات برحق توده‌های کرد و وظیفه
 انقلابی است. انشای حفاظات رژیم در
 کردستان، سرکوبی‌های وحشیانه و بی‌پندارانه
 رژیم، کشتار و شکنجه توده‌های غیر مسلح
 و کودکان و زنان بی‌دفاع، تخریب خانه‌ها و
 آتش‌زدن مزارع و... که از سوی رژیم اعمال
 میشود باید وسیع‌الجوش توده‌های مردم در
 سراسر ایران برسد. شک نیست کسبه
 مبارزات خلق کرد بدون پیوند با مبارزات
 کارگران و زحمتکشان سراسر ایران به پیروزی
 نخواهد رسید چرا که سرنگونی رژیم مستوط
 به یک مبارزه سراسری و همه‌جانبه است.
 هرچند تاکنون سازمان‌های پارتیزانی نظیر کردستان
 و شمال از آنریکه با وارد آوردن ضربات متحد
 نظامی موجب تضعیف نیروهای سرکوبگر
 میگردند، اما براندازی رژیم نیازمند تدارک
 تمام سلحشانه‌های کرد.

در شرایط کنونی هر چند اعتراضات
 برانگیز و اعتراضات متحد از سوی کارگران و
 زحمتکشان صورت میگیرد اما بدلیل نبود
 سازماندهی، انرژی توده‌های هرز می‌رود و
 کتبه‌های مثنی بقیه از صفحه ۱۶

اول ماه مه پنجم ازمنده ۱

بعضی ظهیر رسیده بود
روز اول ماه مه روز همبستگی کارگران براساس
جهان را با تعطیل کارخانه ها جشن گرفتند،
جشنی خاموش، اعتراضانه و قاطعانه مراسم
پوشالی و موزونه رژیم را تخریب کرد.
روز جمعه صبحی اسلامی در استان اول ماه
به تلاش مبارک و تا شاید روز کارگر را تحت
التشاعر روز بزرگ بطهری این بهره اصلی
رژیم و دشمن قسم خورده کارگران قرار دهد و
تبلیغات وسیعی نیز در این زمینه نمود. اما
موفقیتی بدست نیاورد. همچنین حیل های
رژیم مبنی بر معوی این روز تاریخی از دهان
کارگران تبلیغ این شعار که "روز کارگر روز
همه مردم است" بجای نرسید.
بسر انجام ناچار شد این روز تاریخی را به
نوبی تأیید کند اما در برخورد با مسئله تعطیل
کارخانجات دچار سرگیجه و تناقض گویی
عجیبی شده بود. یعنی این کشور با آرزوهای
اندر وحیات کارگران و چشم آنان نسبت بخود
داشت و میدانست کارگران کارخانه ها را
تعطیل خواهند کرد اما آرزوی دیگر بر این امر
نیز آگاه بود که اگر کارخانه ها تعطیل شوند
نگاه دیگر کارگران در دسترس نیستند تا
باجبار به مراسم کشید و شوند. همچنین
جهت در آخرین ساعات روز شنبه ۱۰
اردیبهشت اعلام شد که تنها رسامات
برگزاری مراسم کارخانه ها تعطیل است و
سایر آنکه چند روز پیش اعلام شده بود که
روز اول ماه مه تعطیل نیست! بهر حال
کارگران در اکثریت قریب به اتفاق صنایع در

در سر کار حاضر شدند.
طبق اخباری که تاکنون بدست ما رسیده
است، در کارخانجات استرالیای، ماسچین
سازی پاریس، صنایع فلزی، ایران ناسیونال،
رخت و چیت ری، سیمان ری و . . . روز اول ماه
مه کارگران در سر کار حضور نیافتند و در کارخانه
پاریس مثال که تعدادی از کارگران سر کار رفتند
خواستار برود اخت حقوقی اضافه کاری شدند.
از آنجا که رژیم امکان نیافت تا کارگران را به
زور تهدید و زاعاب به مراسم بکشاند با نتیجه
مراسم روز بزرگ که توسط رژیم ضد کارگری
جمهوری اسلامی تدارک شده بود یا شستنی
سیاسی مسلح و مزدوران رژیم برگزار شد. در
این مراسم موسی خنجریزی از استان باصطلاح
انقلاب طی سخنانی، کارگران مبارزان انقلابی را
بخطرات تصایات و کم کاریهای چند ماه اخیر
حوال ضد انقلاب و وابسته به لیبرالیزم
نامید. مردد اران رژیم که دورهای راستا
تعمیق و ژرفی توده ها سپری کردند و از آنجا
که این شرکده ها را که بر خود را از دست داد
بود سرگوب آشکار و پنهان کمیته توسط
شدند. بر این تصورند که گویا با این تهدیدات
و اتهامات سفره که تنها بپند خود رژیم
و بیانگراچ در ماندگی این دشمنان خلق است
توانند کارگران را از مبارزات انقلابی باز
دارند. اما طبقه کارگر ایران با تعطیل
کارخانه ها و تحریم شرکت در مراسم پوشالی
رژیم پاسخ دادند آن شکن خود را با ده آیت
این حرکت متحد اند کارگران پیوسته بخش نماز
مبارزات آگاهانه و شدت سیاسی طبقه کارگر در
زمینه های مبنی تشکیل کمیته های صنفی
انتصاب جهت تدارک انتصابات عمومی
سیاسی خواهد بود.

مبارزات پنجم ازمنده ۱۰

انتصاب در کارخانجات
و کمیته های صنفی مقاومت در محلات
مدارس، ادارات و مؤسسات از جمله
از کانی هستند که قادرند مبارزات توده
سازمان را مندی کرده و توده ها را برای
پیک قیام مسلحانه و سرسری آماده سازند.
کمیته های صنفی انتصاب باند از یک
انتصاب عمومی سیاسی سخن قلم کردند
رژیم از لحاظ اقتصادی، زمینه های قیام
همانطور از راه مبارزات در زمین رانند
طبقه کارگر در جریان انتصابات سیاسی خود
و در پاسخ به وظائف و کاراتیک خود در این
مرحله از انقلاب باید خواستهای عموم خلق
را مطرح سازد از جمله مسئله خود مختاری
برای خلقها باید یکی از خواستهای طبقه
کارگر باشد. تحقق آن نیز با سرنگونی
جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک
خلق تحت رهبری طبقه کارگر مقرر است.
تنها جمهوری دموکراتیک خلق قادر است
حق تعیین سرنوشت را برای خلقی خلقها و
از جمله خلق تهران گردیه ارمغان آورد.
اما در شرایط کنونی که هنوز سازماندهی
توده ها را احاطه ابتدائی خود را پیدا نکرده
سازمانهای انقلابی وظیفه دارند در
تبلیغات خود جشیات رژیم در گردستان
را انشاء کنند و توده ها را از مبارزات
زهیگشان گرد آگاه سازند و رابطه این
مبارزه را با خواستهای توده ها در سر
ایران نشان دهند و برینسی عمیق بین
مبارزات کارگران و جنبش سازمان ساز ایران
مبارزات قهرمانانه خلق و لا و کرد برجسود
آورند.

روز جمعه پنجم ازمنده ۱۲

شد و گسترش مبارزات کارگری
به شکلات افتد ارتود و ای کارگران حصول
میشود.
در همین حال کمیته های صنفی انتصاب و
تشکیلات جنبش از آن، اگر چه از نقطه نظر
سیاسی در سطح بالاتر از تشکیلات اتحادیه
های قرار دارند لیکن بقایه عملت دموکراتیک
آن کشور برکنند و کلیه کارگران مبارزان نظر
از قیام سیاسی و "ایدئولوژی شان" است
و نیز عملت اینکه نمیتوانند از انتصابات لازم در
عکس الصدا نسبت به همه و هرگونه تفرقه
خود کامی، متم و زور و سز استفاده و صرف
نظر از اینکه چه طبقه ای قربانی آن باشد
برخورد ابرود و کلا طبقه کارگر را به "درن
همی غاسبات موجود مابین همه طبقات"
و مشون شوند. . . . در آن محد و بیت هستند
از این لحاظ امر جمهوری سیاسی - ایدئولوژیک
طبقه کارگر توسط کمیته های صنفی انتصاب
مردود و ناسر است. "وظیفه مبارزاتی -
شکست ایدئولوژیک طبقه کارگر است زیرا
قدرت سلطه گراننده تنها بر قدرت سیاسی
بلکه و خصوصی بودی آن ایدئولوژی که طبقه
کارگر تریق میکند، شکلی است از سبکها
سی و سبک برنامه عمل بین المللی. کسینسه

در آن یاد زهرهای کار آمدی نیستند.
اینجا نیز، همین که از جمع بندی تجارب
مبارزات پرولتاریای جهانی برانتم، تنها
سازمانی به شما کمک طبقه کارگر حسرت
کم نیست. است که در این نوشتن "جنبش
ظرفیتی" در پیشبرد مبارزه طبقاتی است.
در سر مبارزات توده ها و هر چه طبقه کارگر
اندر شکل حزب کمونیست با تشکیل کمیته های
صنفی انتصاب (و نیز کمیته های مقاومت که در
این بحث مورد بحث مانسیانند) بهم گره
خورد و در یک راستا قرار آورد. از کسینسه
هسته های سرخ کمونیستی درون کارخانه ها
وظیفه دارند که با همکاری سایر کارگران
پیشرو در تشکیل کمیته های صنفی انتصاب
کشیده و مبارزات کارگر از ابتدا اوم و از کسینسه
پنشنند. و از سوی دیگر تشکیل کمیته های صنفی
انتصاب امکاناتی را برای همه های سرخ در
جهت پیشبرد امر تبلیغ ترویج، بسیج و
سازماندهی ایجاد خواهد تا پیشروترین کارگران
را به حقانیت مارکسیسم - لنینیسم متقاعد
کرد و هسته های سرخ کارخانه را گسترش
و تعمیق بخندند.
خلاصه کنیم. مبارزاتی همواره از طریق
دستگاه جبر اقتصادی و دولت، به شبهه طبقه
در مقابل پرولتاریا قرار میگردد. شیوه های
مقابله سرمایه در آن سفر با کارگران اگر چه
مکن است در مواردی انقلابی بنظر آید. لیکن

مبارزاتی در کل جامعه . زیرا که سرخسود
بها هم فرود سرمایه دارانه نبع و در سبک
اساسی انتقاد کار توسط سرمایه انجام میگردد
و از این نظر عملت طبقه ای به اقدامات سرمایه
در آن سفر مدهد. بعلاوه اکنون رژیم
جمهوری اسلامی در جهت تدایم انتقاد
کارگران سرگوب و شکست تداوی آنان در این
مرحله از مبارزات از هیچ اقدامی چشم پوشی
نمیکند. سرگوب مسلحانه انتصابات، انتصاب
شکلی توسط مزدوران انجمن اسلامی، اخراج،
تقلیل دستمزدها، افزایش شدت کار و طول
روز کار، دستگیری، زندان، شکنجه، تیرباران
و . . . و زنت این شرایط کارگران صنفی میزنند
اینست باجم مبارزاتی و دولت را دفع کرده و در
حیث سرنگونی انقلابی حرکت نمایند که بقایه
پیک طبقه در مقابل مبارزاتی به نسیسود
پردازند. شیوه های مبارزاتی کارگران اگر
همینان گشته از یکدیگر و مردم اوم باشند و
شکی بر تجارت خود پرولتاریای جهانی قسرا
نگیرد، نمیتواند مبارزاتی طبقاتی ارتقا یابد.
ارتقا" مضامین و اشکال موجود مبارزه پرولتاریا
آن سیری است که بر سران نمیتوان با هر کمت
در راستای تشکیل کمیته های صنفی انتصاب و
حزب کمونیست. مبارزات موجود کارگران از این
مبارزه طبقاتی ارتقا" داد و در مقابل تباجم
گسترده و حاکمیت ارتجاع، اشکال برانگنده
مبارزه را در راستای انتصاب عمومی سیاسی و قیام

سردانیدن یا میباشند
 آهنگی میگذرد و شت و لنگد و ... استغاثه -
 میسرود . برآمدن کابل از ننگ تخت پریا
 صندلی بدون پشت استغاده میکنند -
 آهزان کردن ازج ها با کیزه هائی که فقط
 نوبت انگشتان پابروی زمین باقی میماند از
 شیوه های دیگر شنگه است که منوان
 نام برد . شنگه می تواند نامحدود باشد و
 هیچ قیده بندی در این زمینه وجود ندارد
 اگرندیم شاه سعی می کرد برهنه های خست
 سرپوش بگذارد . این رژیم در این زمینه سه
 هیچ وجه مقید نیست و از آنجا که اعمال
 مجازات اعدام برایش بسیار عادی است
 در شنگه زندانیان گاه متوسل به بریدن
 انگشتان بدون دست و پیا پینی و گوش و ...
 و حتی کندن پیرته سر میسرود . در این رابطه
 لاچوردی در ملاقاتی با خانواده زندانیان
 سیاسی در این وقت میگوید : " ... این
 شخص سرطان داشته و سایر برای نجات عانتش
 یک پایش را قطع کرده ایم و بی حال گشته
 میخواهیم او را در کشیم سرمان را قبول میکند
 و میگوید من بر اثر شنگه اینطور شده ام .
 برای همین ما از آن شرم نمیکنیم . " یکسری از
 زندانیان سیاسی در کوه درشت نیز چشم
 ملاقات پایش را به شیشه جسیانده و پدر
 و مادرش پای آن را لاش کرده او را دیده اند .
 شنگه به زندانیان زن نیز امری عادی است
 و اغلب پس از مدتی شنگه توسط مادرین زن
 با آمدن و ضرب آلتین و زدن میاور زندانی را
 تحمل " برادران " میدهند تا با شنگه
 فقیهانه ترین اعمال نسبت به آنها دست
 زنند . در گزارشاتی که از زندان دریا نیست
 کرده ایم اغلب به شنگه همزمان و گروهی
 انقلابیون اشاره شده که مدای عصبه و
 عبادهای دلگراش آنها در تمامی محوطه
 بطین انگیز بوده است . زندانیانی که بخاطر
 پایهای آماس کرده و متلاشی شده بالاچار
 بردی زانوراه می رفته اند در همان حال
 انواع دشمنیها و توهین ها شت و لنگد سر
 آنها از سوی مزدوران رژیم شام میشد است .
 کسری کی ایما شنگه هاتابه انجام رسید
 که پس از مدت ها که سردمداران رژیم از
 " شایخه " بودن شنگه صحبت می کردند و
 مسئله را تکذیب می نمودند ، در مواردی هر
 چند بطور ضمنی و ناچار به اعتراف شدند و
 از " شدت عمل " مأمورین و " لاش " تحریر و
 " حد " شرعی سخن گفتند . آنجا که موسوی
 اردبیلی از زیاد و و بیانی " برای ضرورت
 مقابله سریع و قاطع با ضد انقلاب صحبت
 میکند (کیهان ۲۸ آذر) و با درج آن شنگه
 صانس بر فعال " مجازاتهای غیر عادی علیه
 انقلابیون تاکید میوزد (کیهان ۲۹ دی)
 و با انتخاب رهنمائی " آزاد بخوانه " خطاب
 به پاسداران میگوید : " بخاطر انقلاب یک
 خستونتهائی هم کرده و لازم هم بود رختوز
 هم بر بعضی موارد لازم است " (کیهان
 ۲۷ آذر) و منتظری عوام فریبانه پاسداران
 و مزدوران چنانکه رژیم را از چار شدن سه
 " حالت خصیانت " و " استغاثه " بر چند ر
 میدارد (اطلاعات ۱۸ اسفند) همه و همه
 " اعتراف به گناه و فعال شنگه در زندانها

زندانیها

بخیه از صفحه ۹

علیه انقلابیون است که دیگر واقعه سلم
 و هر قابل انکار شده است غیر قابل انکار هستی
 از سوی یکی از برترین و ازترین و غریب کارترین
 مردم های سرمایه دار جهان .

البته در کار شنگه های حسی و شکنجه
 و فشار روانی نیز باید اد می کند . یکی از زندانیان
 که اتفاقات مدتی هم بود میگوید : " این امر
 میبویست به روزه رفتن یا گوش کشیده
 در روانه نشین و از تنه زدن هم در تابستان
 آخرند ما بخش می شود . . . حدای نیر باران
 هم که در این است . گاهی هم برای
 آرزو زندانیان به آب گاه مدتها ملاقات
 ندانسته اند میگویند آباد شنگه چسبون
 ملاقات در اردو ولی وقت برای ملاقات میروند
 مشاهده میکنند که ملاقاتی در کار نیست و به
 آنها دروغ گفته اند و با هر روز صبح حوازل رژیم
 در حالیکه شدت بر زمین پای میکنند در
 بند ها حرکت کرده و با مدای بلند و شمره -
 های گوش خراش به شعار دادن -
 میوز از تنه یک دم نیز زندانیان شنگه
 شده و تا آخرین ساعات شب را استوده
 میگذرانند .

و اما اعدام ! . . . آنجا که در
 - سورتین راه حل برای مسئولین زندان
 است هم خلاصی از کسب و جار هم خلاصی از
 رسیدگی به پرونده ها و هم خلاصی از " ضد
 انقلاب " ! بخصوصی در این فاصله بین مرگ
 و زندگن نجاچند دقیقه است و شرمساری
 بکنجه چهارشنبه اعدام میکنند که در
 هفته حداقل به . . . بنظر با هم می شود . و پس
 این او آخر میل اعدام و لغو کرده اند گسه
 حدایت گوش زندانیان نرسد . البته پس
 از آنجا که برای فراوان درد داخل و خارج کشور
 علیه اعدام انقلابیون که شجره موضوعی
 رژیم و تکذیب تعد این بار اعدامها از سوی
 آنان شده ، اعدامها فقط تا بطور موقت صورت
 میگرد و اعلام نمی شود . مدتی پیش یکی از
 مسئولین زندان اوین که از اجتماع خانواده
 زندانیان در مقابل زندان مصاحبه شده بود
 پشت بلند گوگفت : " یکشنبه ۷ مهر اعدام
 کردیم . هم بطور روزی . . . انظر این شمس
 چند روز بعد همین شخص اعلام کرد :
 " رتبه ۷ نفر اعدام کردیم هیچ
 دلیل هم ندادند که اعلام کنیم زنی تعریف
 می کرد که " شوهرم کم شد بر من نمیگردد
 کجاست شمس رستم پشت زهر آهک شاید او
 را کشته باشند . سفوز آنها در مقابل
 درخواست من یک لیست باند از دو روزی
 استعانتی گذاشت جلوی من ریخت آنها را
 اعدام شده های شنه و شنگه هستند . "

نزدیک یکسال هم هست که طبق تائیده
 شخص ضمنی و بر اساس سندیکه با اعضای
 لاچوردی جلال " دادستان انقلاب مرکز
 از سوی سازمان افشا شده (و در ریگسای

گه ل شماره ۲ بجای رسیده) پیش از
 اجرای حکم اعدام خون زندانیان را بسرای
 مد اوای مزدوران پاسد از خود می کشند تا سه
 معنی تمام گله خون آشامی هر وقت بر اینبات
 رساننده هم اکنون بر طبق آمار های بدست
 آمده بیش از ۴ هزار تن از جنبه ها و سایر
 انقلابیون در ظروف در سال اخیر به جونه ها
 سی اعدام کرده شده اند که حتی لیست
 بسیاری از آنها ، بخاطر آنکه در کوه های
 دشته جنسی افکنده شده اند و با غلطی
 شنگه و تجاوزاتی که بر آنها اتفاق شده به
 خانواده ها هایشان تحویل نشده است . در
 مورد بقیه زندانیان سیاسی اعدام شده شمس
 در زندان اعدام همان معاهد بین و بعد تا
 به اصطلاح در " لعنت آباد " قطعه خضد
 (در الارض) در پشت و هر از اسل و کفن در فن
 میکنند ، اما کوششها را با یاد رگوشان
 هند میباشند تا بعد از سر اباد در معنی ۲۰
 ساعتی میروند و میکنند و نام اعدام شدگان
 را در لیست بهشت زهرا شت مینویسند .
 پاسداران حزب الهی های مزدور از محل
 دفن انقلابیون مراقبت میکنند تا در صورتی
 که عده ای بنزارانان بروند به آنها
 هجوم برده و شرفی یاد ستیزشان نمایند ،
 چرا که اجساد انقلابیون شراکائی آنرا سن
 است .

از اینها گذشته آنچه انقلابیون در بند را
 بسیار رنج میدهد فوج عمومی محیط زندان
 و بویژه وجود توابعین و جاسوسها در میان
 زندانیان است . کما اینکه توبه کرده و -
 جاسوسی میکنند حتی گاه بیشتر از پاسداران
 زندانیان را آزار میدهند . اغلب گزارشات
 آنان ملان عمل قرار میگیرد و حتی ممکن است
 زندانی را به پای اعدام بکشاند . یک زندانی
 که اخیرا آزاد شده بود میگفت : " حقیقتا در
 زندان و هشتناک است ، حتی زندانیان سیاسی
 نمیتوانند از اعدام شدن هم بپنولیهای خود
 آزادانه ابراز ناراحتی کنند و گریه که جسای
 خود دارد ، زیرا جاسوسها گزارش میکنند .
 خواننده بهادرتین سرود ها و لوگوها و سخن
 صحیحی را که بین دو نفر رد و بدل شود با آنها
 بشنوند ، گزارش میکنند . در مواردی دیده
 شده که بازجو ها به آزادی زندانی و هدایت
 داده اند ولی توبه های خار و آیت نداده اند ،
 گفته اند : " ما هنوز طرف بر نداشتیم ! " یکی
 از زندانیان تعریف میکرد که پنجاه یکی از
 توابعین یک زندانی را از درون دستشویی بزم
 بیرون کشیده و زندان هم مصیبتی شد او یک
 سیلی بگوش او زد است . بلا فاصله شخص
 توابع گزارش داده که زندانی به خمینسی
 غضب داده بود در مقابل شتر او ، وی را تک
 زد است که اگر بازجو استتانا بخر فیسای
 زندانی گوش می کرد ، همین گزارش بسرای
 اعدامش کافی بود .

اما حلیم همه این شکنجه ها ، اجحافات
 و بیچارگی و با وجود خفتان و سزگوب شدید در
 زندانها ، روحیه اکثر زندانیان سیاسی
 انقلابی بطور کلی بالاست و احساس همدردی
 و حمایت شدیدی نسبت به یکدیگر دارند . به
 عنوان مثال در
 بقیه در صفحه ۱۸

زندانیها

بقیه از صفحه ۱۷

میشوند و در پایان ملاقات نیز ملاقاتله میوز - هائی یادداشت میکنند که اعتراض خانوارها همسوزی ندارد. در مورد دیگری پدری تعریف میکرد مدتهاست برای بچه ام پول ولباس میدهم ولی رسیده نداده اند. الان رفته ام دم زندان که چرا اینهمه مدت ازبده ام رسیدی نیامسند گفتند که بچهدات دقیقاً ۳۸ روز است گسه اهدا شده! من خنجر برایش میخوردم - گفتند گسسه است و نمیگوریم در تنم یک پستی نوشیدیم. من در اصفهان زندگیم میگذردم و رفت و آمدم کلی خرج دارد ولی من شرفها همه این چیزها را زمین گرفته اند و در یک کلام نگفته اند که بچه ات مرده...

خانوارهای زندان سیاسی تبریز هستند. این شهرستانها از صبح زود برای انجام کارهای متفاوت ازبسته صف کشیده ها کیش وسیت نامه دادن پول ولباس و فشار آوردن برای دادن ملاقات و... می بندند (بخصوص در اوین). در کمرنگ مراسم ترحیم و... برای بزرگداشت زندانیهای سیاسی اهدا شده از سوی خانوارها. هایشان نیز با محدودیتهای فراوان و نگاه باسنوبیت کامل مواجه میشوند و چنانکه گفتیم برقرار شد اینهمه زندان دست بردار نیستند و اینست و از آن خانوارها شهیدای سیاسی اهدا میکنند و گاه مشاهده شده که سنگسارشان کرده اند و یا بازداشت نموده و در زندان برده اند.

اعمال فشار به خانوارها زندان سیاسی و شدت اینچنینی چون تا در نبود است تا آنان را از مبارزه برای خرد استیهای خود که در مطمع فعلی عمدتاً توقف میکنند بر فرزند آن دلدار - خلق در زندانها رسیدگی به وضعیت زندانیان میباشد باز در این دوره در این اواخر حرکتی از سوی آنان صورت گرفته است. از جمله در ۱۸ بهار حدود ۳۰۰ الی ۴۰۰ نفر از آنان در مقابل ستاد باصلاح "بیگیری فرمان امام" واقع در خیابان گریخان زندتجمع میکنند و درخواستی مبنی بر عدم شکنجه زندانیان سیاسی مطرح میگردند و انتهای متن این درخواست حدود ۸ صفحه اظهار جمع شده بود و نمایندگان از خانوارها هم از زندانیان با مسئولین در داخل ستاد - بصحبت برداختند. بقیه آنها نیز در بیرون محل ستاد ضمن صحبت با یکدیگر بهر نحو ممکن بر هکتران می نماندند که مادران و پدران زندانیان سیاسی هستند. مسئولین رژیم که در مقابل این حرکت غافلگیر شده بودند مرتب وعده میدادند که بکارها رسیدگی خواهند کرد و فرصت بیشتری را برای سیدگی میخواستند. در مقابل اصرار مسئولین انضای خانوارها زندانیان سیاسی مقرفی میشوند ولی در وارد بزرگ ۲۱ و ۲۲ دی به محل ستاد می آیند که بار آخر پنفر از آنان توسط پاسداران دستگیر شده و به اوین منتقل میشوند. بقیه در صفحه ۳

استند ماه سران رژیم از جمله مسوسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی و موسوی تبریزی و در ستان کل انقلاب ناچار به اعتراض میشوند که تعدد از زبانی از زندانیان سیاسی در همان زندان و در تحت آن شرایط اختیاتی. به مالیت سیاسی خود داده و با همین از زندان در ارتباط بود و همچنین در آری تشکیلاتی بنامه هائی از زندانیان سیاسی بود و اندک که آنها را خود به سیاسی کرده اند. زندانیانی که در دست بطاطس اوامه مبارزه و کار سیاسی و تشکیلاتی در زندان و در روی لو رفتن از طریق جاسوسی توانستن شناسائی شده و دوباره محاکمه شده و اعدام شده اند.

فجایع رژیم در زندانها از سوی دیگر در باره ای موارد حتی بر روی پاسداران - مذاقظ زندانیان نیز تاثیر گذاشته و مواردی چند از فراری را در زندانهای سیاسی توسط نگهبانان پاسدار که گناهان همراهِ زندانیان گرفته اند گزارش شده است و همین خاطر هر از چندگاهی پاسداران زندان را کسوف کرده و پاسداران جدیدی را بکار میآورند.

از نظریه رژیم در شرایط کنونی تنها شرط آزادی مساحبه تلویزیونی است که در وقت انالی منصوص اینکار انجام میشود. یکی دیگر از کارها نیز مساحبه در همینیه اوین است. لاجوردی است. به این ترتیب که همه در حسیته اوین جمع میشوند و لاجوردی با شخص مزبور شروع استوال و جواب میکنند. سپس از همه میخواهد که هر چیزی را جمع به این شخص بدهد و آنند بنویسند که در این رابطه تعدد ادراکات به لاجوردی میدهد سپس وی کاغذها را میخواند و دوباره شروع استوال و جواب میکند که شخص مساحبه شونده تکلیف خود را می فهمد و اینکار بسیار اعصاب خوردکن تر از مساحبه است که اغلب توان این ترحیم میدهند مساحبه تلویزیونی کنند ولی در همینیه مساحبه نکند.

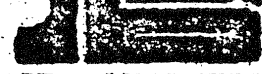
در مورد آزاد شدگان هم تعدد از آنها بسیار کم است و شاید در ماه آورده لغزجاوز - نکند که این در برابر کسانی که در این مدت دستگیر میشوند بسیار کم است. آزاد شدگان عمدتاً از توبه کنندگان و کسانی هستند که در هیچ ارتباط مشخص نزد در مقابل مساه است دستگیر شده اند. انهم مسئولان مشکوک. در صد کسانی هم که کمال با بیشتر در زندان بوده اند و با واقعا خود ابرود اند در میان آزاد شدگان یک در هزار است.

علاوه بر زندانیان سیاسی انتظامی خانوارها و بستگان آنها نیز بشدت تحت شکنجه و آزار و توهین قرار میگیرند. به آنها سختی ملاقات میدهند و در بسیاری موارد بطرز بسیار تحقیرآمیزی با آنها رفتار میکنند. در ملاقاتها علاوه بر کنترل تلفنی سنگ پاسدار نیز زندانی درین پاسدار میگذرد. خانوارها و بستگان و تمام حرکات و انحراف تصور دارند و گاهی که زندانی حرفی میزند با او استوال و جواب میکنند و چون تبدیل به بازجو

زندان شیراز در بندی کسه دختران سیاسی زندانی نبوده اند. یکی از دخترها با پاسداری درگیری پیدا میکنند، باید ارمیخواهد او را برای شکنجه ببرد. دختر دیگری اخترازی میکند و میگوید که حسودند آری او را ببری. و نظر میگوید تعزاتم میبرم و هر دو تان را شکنجه میزنم. که در مقابل همه دخترها دسته جیم اعتراض میکنند و میگویند در اینصورت باید همه ما را شکنجه بزنید. در مورد لخل زندان جو زندان اوین در مقابل حرکتکهای دسته جیم بسیار بدتر از زندانیهای چون ترلعصار است چرا که او را در اوین محاصره نامرت بسیار کم است ولی در جیاهای دیگر اغلب زندانی میبایستی لاق به اوین منتقل شود. تا نهار در میان زندانیان دیگر زندانیان سفید زبانی هستند که مدتها و حتی از پیش از ۳۰ خرداد در زندان بوده - اند و از وضعیت و تجربه ترغیر ارمیباشند. چند ماه پیش زندانیان پس قزل حصار در اعتراض به نبودن آب و شرایط بهداشتی دست به اعتصاب زدند و بودند و در رسیداری که موسوی تبریزی از ایجاد اشتی بتهوهای سرپازی خود در اوسط بند ریخته و آتش زبانه زدند زندانی هم میخواستند تبریزی را اخذ کند که در جاکشته شده است. از قرار معلوم برهانه در ۱۰ روز بود که آب ند اشتند و آب بده نوبت و خط برای وضو در دستشان بوده است. بهر حال در پاسخ به این اعتراض در جده و... بهتر از زندانیان سه گره در دست که شرایط بدتری نسبت به قزل حصار دارند منتقل شده اند و تعدد ای هم به اوین بده ای هم به بندهای تنبیهی رفته اند. اینجای بجائی شامل دختران هم شده است. کسانی که به اوین بگره در دست رفته اند کسانی بوده اند که حکومت های بالا مثل دهسال بیشتر داشته اند و چون میدانستند که مدت زیادی در زندان میمانند دست به سازماندهی و تشکل سایرین زدند. بودند. برخی از زندانیهای نیز که به اوین منتقل شده اند به جوخه اهدا ام سپرده شده اند. اصولاً مسئولین مؤد و رژیم در زندانها - حد اکثر سعی خود را برای جلوگیری از گسترش و بحیه مقاومت و مبارزه در زندان و تشکل شدن زندانیان بنامه میدند. چرا که درست از همین تشکل و یکپارچگی و مبارزه جوئی زندانیان وحشت دارند. همچنین خاطر تاجائی که بتواند هرگونه حرکت اعتراضی را باشد بدترین مجازاتها پاسخ میدهند.

در دیماه لاجوردی بصورت فیلد اران به قزل حصار برود و لاجوردی از زندانیان میفروشد که همین فیلد آری شعارها هستند و وقتی با امتناع بسیاری از زندانیان مواجه میشود آنان را مسازاتهای تنبیهی محکوم میکند. در رانیه سال گذشته نیز بدتسال اعتراض و اعتصاب عدای ۷۰ نفر از زندانیان بطاطس اهدا شدند از میانین هکی آنها را اهدا میکنند.

اما بجز غم اینکار و بحیه مقاومت و مبارزه در زندانها روحیه اعتراضی است و هر روز بیشتر میشود بطوریکه در لو آخر سال گذشته در



دلاری کالاهای بیروت نهاتری از پاکستان میباشد (کیهان ۱۱/۱/۶۱) حال سفیرانده این پیمان نامت "اوس" می باشد باغیرسر آن رژیم در ماههای نخستین پس از تمام توده ای سال ۵۷ - چه برشته از بسیاری از اتحادیه ها متحد نشود اما نیاز به زمان چهار چوب خود ندارد رژیم راشد قش باجیر ساخت بهمان سه جانبه راه و جانیه ایران و پاکستان تبدیل کند بلکه باسلطه بر نژاد و فرمانده و انداز می به پاکستان و محصور ابوشریف صغیر ایران در پاکستان، بهمان بین العزیز راجیت همکاری های سیاسی و نظامی از جمله تعلیم پاسند اران و نیروهای سرکوب رژیم و نیز خصوصاً به جهت تحصیل شتاطت خاص سیاسی احیا کرد و بدین ترتیب کامیابی سرختری برای رسیدن به جایگاه کشور دوست و سلطان در ارتباط با سایر امپریالیستها برداشت .

اما طرف دیگر ترور و همکاری منطقه ای زمانی ترکیه بود و اکنون رژیم برای رفع آن انواع باخیزه اسلامی در آن بنیادات بازگانی در جهت حفظ منافع کام برآمد .

هدایت زاده قائم مقام وزارت بازرگانی در پد آریا هیئت اقتصاد و بازرگانی ترکیه همکاری اساسی سیاست بازرگانی جمهوری اسلامی همکاری با کشورهای تولید کننده و حذف واسطه ها و دلال های بین المللی است . بعد از انقلاب اسلامی همکاری با سایر کشورهای مسلمان و میان سوم به نسوی تنظیم شده است که در جهت حفظ منافع متقابل با این کشور اقدام بر آورده . ما میتوانیم با تشکیل بازار مشترک اسلامی با امپریالیسم بین المللی مقابله کرده و شایع کشورهای اسلامی را در مقابل بازار مشترک موجود جهان حفظ کنیم .

ترکیه نه واسطه است و نه واسطه ای ولی کالاهای امپریالیستی را خوب میتوان در اختیار جمهوری اسلامی قرار داد . چه کالاهای امپریالیستی از سد ترکیه باشد و چه تسریع و تسهیل ورود کالاهای از طریق ترکیه که این هر دو در نهایت کشور دوست و مسلمان ! ترکیه علی بگرد و حجم صادرات هر روز افزون تر میگردد . موفقت آیدتر از گذشته میشود . اگر در سال گذشته یک میلیارد و ۶۶۰ میلیون

دلار رفت در برابر دریافت مواد غذایی و کالاهای مصرفی از ترکیه ، به این کشور ارسال میشد (کیهان ۱۱/۲۸/۶۲) اکنون بر اساس یادداشت تفاهمی . . . حجم صادرات ترکیه از سطح تقریبی دو میلیارد دلار در سال گذشته سطح ۲/۵ میلیارد در سال ۱۹۸۳ افزایش یافته است . طبق آن ترکیه اقلامی چون کدوم ، جو ، گنوت ، شکر ، آهن آلات سرد ساز ساختمانی ، مواد اولیه ، مشروبات ، کوب شیمیائی ، ماشین ابزار و . . . را صادر و هزار دستگاه تراشید جان در بررسی فرگوسن به ایران

خود کشائی . . .

بقیه از صفحه ۸

صادر خواهد کرد (نوی - اطلاعات ۱۲/۲/۶۲) نیروی ملی مذاکراتش با مقامات ترکیه میزان حمل کالاهای از طریق راه آهن این کشور به ایران را از ۷۰ هزار تن در سال به ۳۰۰ میلیون تن در سال افزایش میدهد (کیهان ۱۱/۲۹/۶۲) و موافقت ترکیه را در زمینه ارتباط و حمل و نقل به پیشگامی جلب نمید . . . رابطه نزدیکی با کشورهای ترکیه برقرار کردیم به این نحو که ۴ تا ۵ بندر ترکیه آمادگی خود را برای سرویس دادن به کشتی های ایرانی و حمل کالاهای ایران اعلام کردند . بر همین اساس سالانه یک میلیون تن کالای ترانزیت را از طریق راه آهن در مسیر تحویل خواهند داد و کامیونداران ترکیه برای حمل کالاهای نقاط داخلی ایران اقدام خواهند کرد . . . و اضافه میکند که برخی کالاهای مصرفی بسیار قیمت های مناسب از ترکیه خریداری خواهد شد که این را دست بصورت نهاتری است (اطلاعات ۱۲/۲/۶۲)

وجود این نوع مناسبات بازرگانی با ترکیه ، کشوری وابسته به آمریکا ، یعنی قرارداد نفت در برابر بیلیارد ها دلار که صرفاً ورود مواد غذایی شده و در نتیجه بین و بازاری برای وابستگی هر چه بیشتر تجارت شروت و منابع ملی است و تباری بسخت بیشترند ارد فقط در رابطه با وسعت این قراردادها تنها به نکتی ای اشاره کنیم که نمی از تباری صادرات ترکیه زاهد ترکالاهای ایران تشکیل میدهد به طوری که صادرات ترکیه به ایران در ۶ ماهه اول سال ۱۹۸۲ مبلغ ۳۳۰ میلیون دلار بود و است . اما مورد بازرگانی مشترک اسلامی که رژیم ادعا میکند از طریق آن پیارزه با امپریالیسم بین المللی و بازرگانی موجود میان برخاسته ، بازاری است همانند "بازار مشترک پاکسیون آسیا و اقیانوسیه" در آن شاهنشاهی ، که در پی پاره شدن متحد عمومی اطاق صنایع و بازرگانی ایلامی شکل از ۲۰ کشور اسلامی از ۲۲ عضو آن طرح شده است . برای دستیابی به چنین بازاری از سوی این مجمع که ریاست اش را شهسوخ اسلعلی ابوداود (ازبکستان) بر عهده دارد ، مرکز تحقیقات اسلامی "ترکیه مسئول بررسی امکان ایجاد این بازار مشترک کشورهای اسلامی گردیده است و برای اجلاس مهدی جمع هم عربستان باسویه ، مدنظر قرار گرفته اند (اطلاعات ۱۲/۲/۶۲)

ما رژیم ضابطه تریه این دو کشور وابسته محدود نکرده . وابستگان بسیارند خرید کالاهای نظامی از ترکیه جنجی ، تلاش برای خرید دستگاههای ماشین آلات بازرگانی ۷۰ میلیون دلار از ترکیه که این خود جزو قرارداد کل ۲۵۰ میلیون دلاری است ، خرید

انواع کالاهای بازرگانی . ارزانه و . . . تمام بر اساس انواع قرارداد ها جتنی بر نشت از سوی ایران در برابر کالاهای مصرفی از سوی آن کشورها که این موارد ، به اضافه آنچه پیش از این در این بحث پیرامین قرارداد های رژیم با کشورهای آسیای جنوبی و آسیای شرقی در پی خود همین رشد ترانزیت و وابستگی رژیم از یک سو به امپریالیسم و از سوی دیگر به درآمد های حاصل از نفت است . و بیشتر هیات های بازرگانی خارجی از این ایتالیا ها سخته . . . و آلمان که این آخری بیشتر اقدام وارداتی به ایران بر آورده میازد خود تا کنونی به حراج نفت از سوی رژیم ایران در جهت منافع امپریالیستهاست .

بانکی بهر علت اعلام میکند که ما از نظر مشتری (برای نفت) کمبودی نداریم . کیهان ۱۱/۳۰/۶۲ . در روزنامه های دولتی و غیر دولتی چنین میگویند . . . هزار تن نفت به نانوایان میفرستد (کیهان ۱۱/۱/۶۲) حتی با شد ارتقاوت نفت . تمام یک کشور دیگر ، کشور نه بیشترین بهره ایستادگی را در پیشرفت اقتصادی در تشکیل میدهد . اما در روزنامه های دولتی نوع دیگر خبر استفاده از نفت و نفت نیز هست : "تحویل نفت به ایتالیا : بر اساس قرارداد شرکت دولتی ایتالیا (ای - تی) در مقابل تحویل نفت خام ایران ، در اکتشافات نفتی این کشور رایاری میدهد (کیهان ۱۱/۵/۶۲) اما در اکتشافات نفتی این کشور رایاری میدهد . طرح ایجاد ضرورت تهران و هماهنگی عملیات حفاری آن ، با حفاری های ماضلاب کولده کشی آب ، گاز ، کابل کشی برق ، تلفن ، پیش از ظهر و در روز با حضور شهردار تهران و دبیر اول سفارت ایران و کارشناسان ایرانی در شهرداری تهران آغاز شد (کیهان ۱۱/۲۴/۶۲) اما گاه نیز خبر میدهد به صورت برج میگرد : "شرکت ملی فولاد ایران برای تکمیل واحد شماره ۳ تولید فولاد اوزانها بزرگ قرارداد بست (کیهان ۱۱/۳۰/۶۲) - نفت در برابر استفاده از کارشناس های خارجی بلژیکی و آلمانی ، ایتالیائی و . . . ناما یکی از کارشناس ها و میانگاران داخلی گردنده چرا که به خارجی ها " امتیاز یافت بکارگرفت و لی در داخلی ها " نیاز به پول دارند و خزانه دولت از بل نمی است .

با این همه ، با اینکه اکنون دیگر هیچ سک از سران رژیم ، موافق تر نیست در واژه "ساخت" نیستند (اطلاعات ۱۱/۲۰/۶۲) - گزارش مجلس با اینکه خود اعتراض میکنند که ۹۰ درصد ماشین آلات صنایع و نیز ۷۵۰ هزار اولیه وابسته است ، و این وابستگی هر لحظه بیشتر میشود ، با رژیم ادعای استقلال دارد ! و نشانه آنم صف کشیدن ۲۰۰ کشتی در بندرهای که در انتظار تخلیه بار میباشند ، و این نشانه عدم وابستگی تنها بخشی از استقلال است ! ! کامیونهای نفت کشیده شده در هر روز ترکیه هنوز حساب نموده است ! !

اما نتیجه منطقی چنین سیاستی تنها فقر و تنگدستی هر روز بقیه از صفحه ۲۰

افزون‌تر و به حالت اما
روزم را به بان که بود و جای زحمتکش در
گودها و زلفه‌ها دارند کنی کننده چه بان که در
کنار بیابان و دروازه‌های گسترده و سرمای سخت
وستان جان به هند و سیگاری و کرانی و فقره به
نوشی شان کشاند . برای جمهوری اسلامی
تعریف و تجید امیرالیه‌ها کالی است .
امیرالیه‌ها را باید راضی نگاه دارند و بازار
کالا های مصرفی شان را گسترده و ترکند و برای
دستیابی به این مقصود از هر امکاتی از تانکر
و راه آهن ترکیه گرفته تا بکارگیری شیوه های
ارزی و شباهتی استفاده جویند .

اینکه "چرا در اقتصاد داخلی نارسایی
داریم" به رژیم مربوط نیست همینانکه به
امیرالیه‌ها مربوط نیست . رژیم نفت را
میدهد و در حدود افزایش ذخایر ارزی بر میآید
زیرا برای امیرالیه‌ها تنها ذخایر ارزی
کشورهای تحت سلطه مهم است و نه بهیچ
وضع اقتصادی توده های زحمتکش و رژیم
تجزیای خواسته رابه نحو مطلوب انجام
میدهد . و سگرا و لاری چه خوب این
صداست رژیم را بیان میکند : "در گذشته با
فروش نفت ، وضعیت ارزی ما طوری بود که
میتوانستیم امور ضروری مملکت را انجام
دهیم ولی امروز از نظر ارزی هیچ مشکلی
نداریم بطوریکه در حال حاضر حدود ۱/۵
میلیون تن کالا های ضروری ارزی شده در مبادی
حمل قرار دارند" (اطلاعات ۱۸/۱/۱۲)

امروزه اسلامی برای سرعت پایی بازار
کالا های امیرالیه‌ها تنها به این طریق اکتفا
نمیکند بلکه همینان بانک مرکزی اطلاعاتی
بدهد که تنها بانک کالاهای غیر نفتی بخش
مخصوصی بلا مانع است . و بر اساس این نامه
امیرالی که در این رابطه تهیه شده صادر
کنندگان کالا مجاز میباشند ارز حاصل از
صادرات خود را اشخاص به مصرف خرید
واردات کالا ابر خارج برسانند (کیهان
۱۱/۱۱/۱۲) و در پی این اطلاعاتی نیز
نوربخش به یاد در آمد ارزی کارگران ایرانی
خلیج می افتد که چگونه با حال مگرش را کرده
بودند . نوربخش میگوید : "اینها (کارگران)
حاصل در آمد ارزی خوبی هستند و پیش بینی
میشود که در یکسال بازاری معادل یک
میلیارد دلار داشته باشند و این مقدار ارز

تا بحال به سلطت مانی آمد و ما خود مان را از
ایرکسانی که در جاهای دیگر کار میکنند و
پنی از برده کنند های ارز میباشند محروم
گردیم" (کیهان ۱۲/۱/۱۱)

ایستاد بگره گفتاری و به بشتوانه ارزی
لازم است . رژیم برای تأمین نیازها و کالا ها
سی مصرفی مورد نیاز از کالا های کشورهای
خلیج بهره جسته ، بطرقی که نه به نفت
نیاز است چه این کشورها خود صادر کنند و
نفتانند . و نه به ارز احتیاجی . ارز کارگران
به نحو رژیم بکار گرفته میشود و این امر
خصوصا رحانی که رژیم نمای پول در گردش
محصی ۳۰۰ میلیارد تومان ، راتمامه بانک
ها مقروض است و مقدر ۲۰۰ میلیارد تومان

نیز تنه بانک مرکزی بدین دارد .
میشوند از هزینه های اضافی جلوگیری
نمایند و بند رژیم بدین راه بانک گاهستی
دهد که شاید رونق اقتصادی (بانکی -
ارزی) بوجود آرد .

روزم ، اناراه ، دیگری نیز برای تأمین ارز در
نظر گرفته که در چهار چوب همان بازار
مشترک اسلامی اش می کشند ، راهی که شاه
نیز پیش سرود و شمال داشت از طریق بازار
مشترک آسیا و اقیانوسیه "رابیچود آرد که
"اجل" مهلتش نداد . و این راه همان راه

افزایش تولید داخلی ، صدور محصولات به
کشورهای تحت سلطه دیگر منظور بالا
بردن ذخایر ارزی جهت تهیه و تأمین مواد
اولیه و کالا های مورد نیاز از امیرالیه‌ها
است . رژیم جمهوری اسلامی نیز برای
دستیابی به این مقصود طرقی ارائه میدهند
"باتوجه به مشکلات بنادر و محدودیت ارزی
جهت برای کارخانجات تحت پوشش وزارت
خانه صنایع سنگین ۳ میلیارد دلار ارز
تخصیص یافته ، در صورتی که در حال است
فادی این کارخانجات به ۶ تا ۶ میلیارد
دلار ارز نیاز دارند . تنه با قدری از
کارخانجات خواستار سهمیه بیشتر هستند .
در صورتی که این کارخانه ها تمهید دهند
که به تولیدات خود میفزایند سهمیه ارزی
آنها افزایش خواهد یافت" (کیهان ۳۰
ماه ۱۱ - نیوی در گرد هائی مسئولان و
مدیران کل صنایع استانها)

درست است که فروش نفت امکانات
ارزی قابل توجهی در اختیار رژیم قرار میدهد
اما نمیتواند پاسخگوی نیازهای رژیم
باشد ، یکی از جهت مقدار کالا های مصرفی و
دیگری بهیچ وضع اقتصادی و حضور در
صحنه بین المللی از لحاظ تأمین کالا های
مصرفی . رژیم علاوه بر سیاست ارزی ، شیوه
تجارتی نیز پیش میبرد . نفت در مقابل کالا
های مورد نیاز ، و کشورهای بلوک شرقی
این زمینه را برای رژیم فراهم میکند . رژیم
نه از آنرو که مایل به برقراری نامهربان
بازرگانی با شرق باشد ، بلکه هم از جهت
اجتناب ناپذیری بدلیل فقدان ذخایر
ارزی و هم از این جهت که میتواند با برقراری
نسبیت تجاری با بلوک شرق در ظاهر
شمار "نه شرقی" نه غربی" را عملی تحققی
یافته جلوه دهد به دیگرانند می کند .

اما همینانکه پیش از این نیز اشاره
کردیم شیوه تجاری خاص کشورهای بلوک
شرقی نیست . هر گاه که ذخایر ارزی کم آید ،
رژیم ، نفت را در مقابل کالا بخرای میدهد .
خواه کشورهای امیرالیه‌ها باشد خواه
خواه کشورهای وابسته به امیرالیه‌ها .
از لحاظ بهیچ وضع اقتصادی نیز ، رژیم
به دلیل ماهیت استثمارگرانه و وضعیت سیاسی
اقتصادی

قادر نیست
امنیت داخلی برای بگردش در آورد و سرمایه
سودار و تهیه اقتصاد سود آور را فراهم آورد .

خودکفائی . . .

بقیه از صفحه ۱۹

و این موضوعی است که امیرالیه‌ها را ناراضی
روزم را پیش از این در و انزو قرار میدهند . و
روزم در این بین در و انزو قرار میدهند و فرات
روزی بخشیدن به شرکتی امیرالیه‌ها
پاتنه . اینجاست که دیگر شعار سیاست
نه شرقی و نه غربی ، رژیم بلکی و نه
صراحتا اعلام میکند که اگر ما میخواهیم
جمهوری اسلامی را اکثریت را هم و عنوان
جمهوری اسلامی هر دولتی را بهیچ وجه
در وازه هار ایندهم و یا همه کشورهای قطع
رابطه کنیم" (محمدزاده - نمازنده مجلس
اطلاعات ۲۰/۱/۱۲)

امروزه که فکر میکند ، و با تفرقه‌های
کار ساز است و میتواند چند صباحی در تحت
عاضی چون "اقتصاد مستقل" خود کفائی و
شمار نه شرقی ، نه غربی" توده هار ایندهم
میکرد : "سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر
این اساس است که با کشورهای که در صحنه
دشمنان انقلاب اسلامی قرارند آرند روابط
برقرار کند . بگذریم از اینکه بدین ترتیب همه
کشورهای امیرالیه‌ها ، و وابسته بسسه
امیرالیه‌ها یکی در رویف و دشمنان انقلاب
اسلامی قرار میگیرند ، اما اگر منظور رژیم در -

ظاهر هم که شده کشورهای چون سوریه و
لبنی و . . . باشد ، باز تعداد آنها چندان
قلیل است که پاسخگوی نیاز رژیم چه بسسه
لحاظ نیازهای مصرفی و به خاطر رژیم در
صحنه بین المللی نیستند ، هر چند که رژیم در
رابطه با این کشورهای "دوست" و "برادر"
نیز ناگزیر از ایجاد دادن چشم پوشی از واقع
انهاست که در مخالفت با "اصول جمهوری
اسلامی قرار میگیرد . که نمونه شخص آن -
موضع گیریهای سوریه در رابطه با عراق کیه
او احکوم نکرد و بی وفایتی با طرح فهد و بسسه
رسمت شناختن اسرائیل است (کیهان
۱۱/۱۲/۳) اما بیاره چیست . سوریه ،
کشوری "دوست" و "برادر" : اگر او هم برود ،
جمهوری اسلامی بی بار و بار میماند ، پس نسسه
تنه با چشم پوشی که ارسال ۶ میلیون نفت بسسه
سوریه که همینان بابت دریافت جنود
قدس ، ضوابط و معضی مواد شیمیائی و دیگر
چیزها هم بابت جنگ "دوستی" است چنانچه
عنوان کتک به سوریه در جنگ با اسرائیل .

گفتم ، اما ، دوستی و برادری" گفتار است
نمیکند . بنابراین رژیم باید "اصل" را -
در پاید و امیرالیه‌ها را راضی کند . پسین
سرمایه های خارجی ملی شده ، باز گردانده
میشوند و شرکتی امیرالیه‌ها از زحمتکش
نجات می یابند تا شاید که این سرسوزگی بسسه
امیرالیه‌ها ، ملاحظت شیطان بزرگ را -
نسبت به جمهوری اسلامی برانگیزد .

خودکفائی

تسهیل چند مورد از بنیادهای خوش خدمتی های رژیم جمهوری اسلامی اشاره میکنیم:

رژیم جمهوری اسلامی، کلیه سهام بانک مشترک "اومیزاین وست نت" را که قبلاً از انقلاب با سهام مشترک اروپا و این امریکا و بانکهای وطنی توسعه صنعتی و معدنی ایران تشکیل شده بود، خریداری میکند.

(گهیان ۱۵/۱۰/۶۱) تا از این طریق رژیم تسهیلاتی به بازار ارزی خود داده بلکه در عین حال مجوزی باشد برای معاملات بین المللی و در واقع اضمحالتی و در حق حقوق تلافی برای اینکین کتف امیرالینبیا.

رژیم برای آنکه خوش خدمتی انفرادی به امیرالینبیا و خصوصاً امیرالینبیا امریکا نشان داده نه تنها از طریق خرید کالا به عقد ارز با از شرکت گروپ نه تنها بکار این شرکت رضی بخشیده بلکه با توافقی بین ۳۱۲۹۵۳۲۱ دلار نسبتاً به مبلغ ۱۳۷۸۱۱۲۰ دلار درخواستی شرکت های امریکائی بابت قرضت و ضبط این شرکتها توسط دولت جمهوری اسلامی، (گهیان - ۱۱/۱۲/۶۱) که در واقع باز پس دادن مقدار ارز و توسعه درخواستی شرکت های مزبور است. بنیادین از کارهای ناشایست بیخون را ابراز و طلب بخشایش نمود.

مسلماء چنین زمینه ساز جهانی، عداوت گوی را بدنیال دارد؛ مگر تکیه بر اسلام شد که دولت جمهوری اسلامی ایران و کسای برجستون و این موافقت کرده اند تا ساله سرمایه و وام ملی شد طرفهسای و این در کمپانی لاستیک سازی برجستون ایران را احداث کنند. بهانه خوبی که توسط برجستون ایران و سازمان صنایع ملی شده انتشار یافته میکند: که طرفین توانستند کرده اند تا ساله اختلاف مالی جمود را با رضایت بینا حل کرده و در روزنامه ای از هزاره های برآیند را آغاز کنند. اگرچه میزان میلی که توسط ایران بطرفه پای و اینسی برده اند خواهد شد در تقاضای شخص نیست، اما برجستون و این ایجاب کرده است که علاوه بر ۳/۲ میلیارد بین سرمایه گذاری اولیه ۱/۲ میلیارد بین هموزام بسسه برجستون ایران پرداخت کرده است.

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۲۲۰۰	۳۰ فروردین
۱۲۰۰	دوستان
۱۰۰۰	الف
۳۰۰۰	کان عباس
۱۵۰۰۰	روستای نولال
۱۵۰۰۰	قاومت ۲
۱۰۰۰۰	سلیحانی رضیانی
۱۰۰۰	ش ۵۵۵
۲۰۰۰۰	گروه سفید
۲۰۰۰	حمید آشری
۱۵۰۰۰	ای ۱۳۲۵
۸۰۰۰	بدون کد
۱۰۰۰	بدون کد
۲۵۰۰۰۰	ن ۲۸۳
۲۰۰۰۰۰	رضی نظام
۵۰۰۰	۲ - سراط
۲۰۰۰	۲ - اسکنان
۷۵۰۰۰	۱۳۲۵ - الف
۲۰۰۰	روستای نوکده
۱۰۰۰۰	چهرین
۲۰۰۰۰	ن ۳۲
۲۰۰۰	بدون کد
۵۰۰۰	ش ۵۵۵
۱۰۰۰۰	ک - م - ش
۱۰۰۰۰	رقیب آشتی
۱۰۰۰	بدون کد
۱۰۰۰۰	۵۵۵
۵۰۰۰	انقلاب
۳۰۰۰	۱۹ بهمن
۱۰۰۰	۱
۱۰۰۰	حمید آشری
۱۰۰۰	۱۹ بهمن
۱۰۰۰	احمد زاده
۵۰۰۰۰	بدون کد
۱۱۰۰۰	۲ - ۱۸۲
۱۱۰۰	
۲۰۰۰	انبار
۵۸۰۰	گفتی
۷۰۰۰	بدون کد
۱۵۰۰۰	۱۳۲۵ - ای

از صفحه ۲۰

(این کمپانی) پس از برزی انقلاب در سپتامبر ۱۹۸۱ در شمار کارخانه های ملی شده درآمد. در پی این اقدام دولت جمهوری اسلامی، برجستون و این نسبت به دریافت ۸/۱ میلیارد بین (حدود ۳۶ میلیارد دلار) ادعای غرضت کرده و کارکنان خود را از ایران خارج نمود. با آوری میشود که ایران اخیراً حدود ۲۰۰ میلیون دلار لاستیک از کمپانیهای این از جمله برجستون خریداری کرده است (گهیان ۱۲/۱/۶۱).

دولت "خودتکار" خوش خدمتی اش را به امیرالینبیا نشان داده و در این راه، بنای حرکتش نظم شاهانه بود و اکنون در دستهای وابسته "شاه اقتصاد تک محصولی با غارت نفت و عرضه داشت، رژیم جمهوری اسلامی با خراج نفت، از او در این عداوت سبقت گرفت، همان همکاری منطقه ای ایران، ترکیه و پاکستان را به ایران - ترکیه و ایران - پاکستان و بازار مشترک شاهنشاهی را به بازار مشترک اسلامی تبدیل کرد و اگر شاه با خرید سهام گروپ، این شرکت را از ورشستگی نجات داد، رژیم جمهوری اسلامی با خرید مقدار متناهی کالاهای این شرکت رضی بخشید. و تنها درخواست از این طریق به دروازه های تمدن برسد و اکنون چنین وعده میدهد "بهداله امروزان وضع (وضع گذشته) در رژیم شاه" نجات پیدا کرده ایم و اکنون به دست این کشور راه آفتاب است.

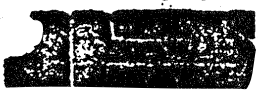
عزیزانم که احتیاجش در هر امری از کشور ۱۵ سو در بر منقذ کرد (گهیان ۱۲/۲/۸)

اما چنین هم به دست نمایان تا از این طریق "کشور راه آفتاب" برساند توده ها، منگوری ابراهیم چون ستم های شاه پاسخ خواهند داد. همان سان که کاخ تمدن شاه را به سرانه هاتید بد کرده اند، بنیاد رژیم ضعیفی را و همراه با آن پهاوتیز میرزا آن سان در فسون میباشد که در هر مغز نقش هرگز سرایت نکند. طغیان خشم توده ها، طغیان شرط مظلومی است که همه جا را میگیرد و بی و تبهالان که تقدیر شده، فقری که برکت پائینه و ردائی که بقدرت رسیده "راد در خسود غری صهار -

رفقا! هواداران!

برنامه عمل سازمان را بهر طریق ممکن بهمان توده ها بپرسید. فعالیت تبلیغی خود را گسترش دهید و به تبلیغ برنامه عمل سازمان بپردازید.

حق ملل در تعیین مسیر نوشتن خویش حق مسلم آنهاست



خودکفائی

یکمک قراردادهای امپریالیستی!

نخست وزیر دولت "خده شکرار" جمهوری اسلامی هنگام بازدید از آذربایجان شرقی اعلام کرد: قیمت هر بشکه نفت باید ۸۰ دلار باشد. اما آمریکا و انگلستان و کسریوم چه ها که نمیکردند. یعنی آمدند ۲ دلار میدادند و یک بشکه نفت میبردند و ملت ما ۸۰ دلار به نفع این گردن کلفتها و قدرتمندان بزرگ طور میگردند. ولی حالا چطور؟ (آکبهار - ۱۴/۱/۱۲)

حالا امپریالیستها با "تعمید" به رقتاری برخلاف سیاستهای اشتراکگرانه قبلی خود، باز هم نفت را میبرند ولی جمهوری اسلامی به بهانه هرزمنه این "تعمید" خود را مقصد امپریالیست و منعی اساسی سیاست بر قطب و راستی و حرکت در جهت خود کفائی جلوه میدهد.

نمونه قراردادها "تالیوت" انگلستان، بیان بارز این تزویز و بای رژیم است. "پانویجه" به اهدای جمهوری اسلامی ایران یعنی بر قطب و راستی و حرکت در جهت خود کفائی، بر اساس قرارداد منعقد و بین کارخانجات صنعتی ایران ناسیونالیست و شرکت تالیوت انگلستان، شرکت مذکور

موظف و تعهد گردید به مدت ۵ سال بر محل فنی ایران ناسیونالیست را بر خلاف سیاستهای اشتراکگرانه قبلی خود، در دو معادله چهار ماهه بر گروههای ۲۰ نفری با هزینه خود آموزش دهد (آکبهار - ۱۲/۱۲/۱۲)

در پایه چنین فریب و شیرینی است که رژیم جمهوری اسلامی اقدام بفریب و متعسف کردن دست دوم در برابر اوسال نفت می نماید و سعاری به ارزش ۹۰۰۰۰ دلار برای تعویض وسائل حفاظتی دستگاهها و تجهیزات فنی و کاری شرکت انگلیسی "مابل" میدهد. در ماصله اوت تا اکتبر سال ۱۹۸۲ - ۲۱۰ هزار تن آهن از این وارد میکند، در مقابل روزانه ۶ هزار بشکه نفت بخیرد قلی از این سرزانه ۲۱۰ هزار بشکه - اضافه میکند و شرکتهای زاپی هم "سکنا" به این اطلاع ایران!! نفت ایران را مستقیماً آمریکا میبرند. اما برای آنکه این دولتی یکمانه نباشد، رژیم اسرائیل هم ۵ میلیون دلار - اسلحه و ولی باید لای اولی هلدن قیمت نفت به پیشه ای ۲۷ دلار، در اختیار جمهوری اسلامی قرار میدهد.

راجزه لایفک رژیم اسلامی است تا لیکت مشروم در برابر تمامشروع: جدائیس سرمایه "خلال" از "حرام" تحزیر بجای شکسته.

یادداشتهای سیاسی



سال ۶۲ سال مستضعفین اعلام شد. سخن از توده ها سخن آمد. و ده رفاه داده شد. خمینی از کاخ حصاران از "کاخ نشینی و کوخ نشینی" سخن گفت. نه تنهار نشینانی که در بکران هم از "عدالت احتمالی" سخن گفتند. خاشاکهای اعلام کرد که اگر در این سلسله سلکت یک تنگه نان بدست بیاید، باید به پایست بطور مساوی بین همه تقسیم شود و البته با کسانی است که اکنون کفر به حقوق خود دست یافته اند.

به ناراضگی توده ها و از دست دادن آنها احترام شده گفتند: "ما نتوانسته ایم برای کارگر زندگی خوب فراهم کنیم. ما نتوانستیم کشاورز و آبه قوه مولد و کشور است تقویت نمائیم" (فخرالدین حجازی - اطلاعات ۲۶ اسفند)

از آینده تاریک و ترابیط حصاران سخن گفته شد: "من از آینده احساس نگرانی میکنم. الان هنوز روسیه انقلابی حاکم است. اما حوزنظامی در گوشه و کنار سر بر آورده که اگر این حوزانه خارش کند ما باید مانع همه چیز را بنویسیم" (حتی - آکبهار ۲۱/۱/۶۲) گفتند: ما برای آینده چه تضمینی داریم. زمان، زمان حساسی است (فانل هرندی - اطلاعات ۲۱/۱۲/۶۱)

به لزوم در رخنه نگاه داشتن مردم نسبه یکبار که صد باره ناکند شد و از توده ها خواسته شد همچون گذشته بار و بار "انقلاب اسلامی" بایستند، گفته شد "باید همه اقتدار و طبقات همچون گذشته دست برداری و - صمیمیت و اخلاص به یکدیگر در داده و از دستاوردهای انقلاب... حمایت نمائیم" (مفتخری - اطلاعات ۱۵/۱/۶۲)

مبارزه مرگ و زندگی است. در سایه حمایت میلیونی مردم و جهانشمیری جمهوری اسلامی چه زود به کاپوس موختن در آتش خشمش تبدیل خواهد گشته، کاپوس مرگ در واپسین روزهای حیات و کاپوس نابزه و رژیم و از هم پاشیده کی همین نمونه تمرکز و انسجام هرچند پرتالی و ماشین دولتی، بواسطه خشم و غلبان توده ها ها که زمانی مطیع و رام به هر ر تزاری گردن میبندادند. وحشت از اینجاست است که رژیم ارتجاعی را در او هام لحظات

احتضار قرار داده و آخرین نگانههای لعطنه پیش از مرگ، نمیناند ای خمیف و بی رنگی است که از تن فریونش بر میخیزد: فراموشانده ن توده ها هلباز به گردن خویش تلاشی مد بوحاشه از سر ناامیدی برای جلب حمایتی دوساره و بازگشت به دوران شوهم سیری شده و غیر قابل بازگشت.

مردم از این رژیم و پیرازمدتها کسه "مستضعفان" را فراموش کرده بودند و از هر طریق بدنی مال سرمایه در ایران میگشتند. امتیازها میدادند و قوانین را به نفع آنها به تصویب میرساندند تا برای بازگشت بکار، به آنها اطمینان دهند، آشور که نقطه گسیختگی را نزدیک می بینند. اکنون کسه در ریاتماند خلق به جنا پیکاران حاکم که فقر و فلاکت خفتان و سرکوب را چنده برابر ساخته اند، کینه می ورزند. اکنون که کسه اینها و گاه آنها طغیانها و حرکتهای اعتراض علیه خود را شاهدند، به تند بپرو چاره اندیشی میشتند. اینها سرود ایران رژیم خنایش ترسب را در ندنا بنویسد ما بگستر "مستضعفان" هم هستیم یا شاید بهینسر

بگوئیم آمدند تا بگویند باید بفرستند عفا ن هم بود. باید بفرستیم و تمام آنها بود و لااقل در شمارها فراموششان نکرد. همان طوره که شمار مرگ بر امر بگلهایم تمامی فرار شد از های امپریالیستی، هنوز فراموش نشده است.

سخنان خمینی در باب "کاخ نشینی و کوخ نشینی" که اعلام سال "مستضعفان" را در پی داشت، بواقع جمع بندی و شمارها و بده سی رفاه از مستضعفین بود که سران رژیم پیش از آن که بگناه، در آخرین ماههای سال گذشته کشته و نوشته بودند. شمار فریبهای نیم بند طرفداری از توده ها که در حقیقت بیان دای کامهای انقلاب و برجیده شدن بساط جنایت و ستم بود که اینک نزدیک تر و وساتر خوش سردمداران رژیم میسرید.

رهائی از خفتان و خلاصی از فقر و تشنگی و راه هستن بسوی سیداری و تنگ رهائی از سوزی توده های ناراضی و آسایش از خشم و بین که خواهان پایان گرفتن بر بنیای فریون بودند، سرود ایران رژیم را برانداخته بود که پیش از آمدن توده ای، بقیه در صفحه ۶